



اعطای نشان «تماشای خورشید» به دکتر مهدی محقق



دکتر مهدی محقق



دکتر نوش آفرین انصاری



دکتر حسن بلخاری



دکتر علی اکبر صالحی



دکتر محمود نیلی احمدآبادی



دکتر غلامعلی حداد عادل



دکتر سیدعلی اصغر میرباقری



دکتر حجت‌الله ایوبی

آیین نکوداشت ۷ دهه خدمات گسترده علمی و فرهنگی استاد مهدی محقق، یکشنبه ۲۵ آبان به همت کمیسیون ملی ایران – یونسکو برگزار شد.

بسه گزارش خبرنگار اطلاعات، حجت‌الله ایوبی، دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو – ایران، طی سخنانی گفت: استاد مهدی محقق نشان داد دوران ناصرخسروها و این یوطرطها نماد نبوده ست، این خاک، حاصلخیز است و افرادی چون استاد محقق و دکتر موجد در آن می‌جوشند. ویژگی بارز استاد، حافظه قوی و توانایی نوشتن است میراثی که از این مرد بزرگ برای ما به جا مانده، مروه‌ن این توانایی ایشان است. سخنرانی‌های استاد، مانند سمفونی و ایشان معلم واقعی است.

داده، دکتر غلامعلی حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسیسی درباره جایگاه دکتر محقق در عرصه فرهنگی دوران معاصر اظهار کرد: همه ما با دوگانه سنت و تجدد آشنا هستیم. در دوران معاصر، دانشگاه‌ها علم جدید را ترویج کردند و حوزه‌های علمی، علم و معارف سنتی را اهل فرهنگ همیشه نگران افراط و تفریط بوده‌اند. در این دهه‌هایی که دانشگاه‌ها استادان تأسیس شده‌اند، و مهم‌تر از همه دانشگاه تهران، به‌ویژه در دانشسکاه ادبیات و علوم انسانی نسلی حضور داشته‌اند که قبل از ورود به دانشگاه از علوم حوزوی بهره‌مند بوده‌اند. این استادان دانشسده این دوگانه سنت و تجدد را پیاده کنند و از سختی‌کن این‌یک‌دهه‌روی افزود: آغاز گراين سلسله، علامه قزوینی است و در دوران ما دکتر سیدجعفر شهیدی و عباس زریاب خویی تا دکتر شفیعی کدکنی، طیفی هستند که با معارف دینی و حوزه آشنایند و در دانشگاه ما درس خوانده‌اند. دکتر محقق به این سلسله تعلق دارد. او در هجوم تجدد، نسل دانشگاهی را با معارف دینی آشنا کرد.

نکته قابل توجه در کارهای دکتر محقق، تنوع کارهای علمی ایشان است؛ از تدریس ادبیات عرب، تألیف کتابت عربی برای محصلان، تألیف مطول برای استادان انواع کارهای کلامی، اصولی و فقهی، ادبی و تصحیح متون، تألیف یک رساله واحد در باب رازی، فیلسوف ری تا معرفی فلسفه اسلامی به دنیای غرب با

رئیس شورای شهر تهران با اشاره به این که پیشنهاد تعطیلی حداقل دو هفته‌ای تهران کارشناسی شده است، گفت: این تعطیلی با توجه به شرایط، نیاز مهمی است و از رئیس جمهوری خواستار اجرای آن هستیم.

به گزارش مهر، محسن هاشمی درروز در ابتدای جلسه دویست و چهل و هشتم شورای شهر تهران درباره روند افزایشی پایدی کرونا در تهران و کشور هندار داد و افزود، به گفته مسؤلان وزارت بهداشت، خطر رسیدن به آمار ۱۰۰۰ زده در روز در کشور در زمان کوتاه و به یزده وجود دارد.محدودیت‌هایی که در هفته گذشته توسط ستاد ملی کرونا ایجاد شد نیز کاهش تأثیر جدی در کاهش تردد و رفتار مردم نداشت. وی تصریح کرد: کاهش ساعات فعالیت اصناف و سیستم حمل و نقل عمومی، فقط اذحام جمعیت که عامل تشدید شیوع کروناست را افزایش داده است. در این راستا پیشنهاد شورای شهر تهران، تعطیلی دو هفته‌ای تمامی فعالیت‌های غیرضروری و افزایش دام است که تردد شهروندان را کاهش دهد .

رئیس شسورای شهر تهران همچنین در جمع خبرنگاران گفت: وضع کنونی شیوع کرونا و ابتلای ۱۲هزار نفر در روز به این ویروس و صحبت از هزار فوتی با روش‌های نیم بند برعکس جواب می‌دهد و موجب شل‌وخی ساعتی از روز به ویژه در حمل و نقل عمومی و انتشار بیشتر این ویروس می‌شود.

منافقه عمومی یک مر حله ای خرید، نصب و راه اندازی ۲۲ دستگه سروز شماره ۹۸/۱۳۱

شرکت خدمات ارتباطی رایتل

در نظر دارد نسبت به خرید، نصب و راه اندازی ۲۲ دستگاه سروز مورد نیاز خود، از طریق برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای به شرح اسناد مناقصه اقدام کند.

به این منظور از تمامی اشخاص حقوقی که تمایل به شرکت در این مناقصه را دارند، دعوت می‌شود جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت نسخه الکترونیکی اسناد مناقصه به نشانی اینترنتی **https://sama.rightel.ir** مراجعه کنند.

مبلغ تقصیم شرکت در مناقصه

۱۳,۷۰۰,۰۰۰ (سیزده میلیارد و هفتصد میلیون ریال).

آخرین مهلت فروشی اسناد

از تاریخ انتشار آگهی لغایت روز شنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۹/۰۱

مناقضات می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با نشانه تلفن ۰۲۱-۲۷۶۵۲۵۵ تماس یابند یا با نشانی Tenders.sama@rightel.ir مکاتبه کنند.

آگهی مناقصه عمومی شماره ۹۰۷-۹۹-۷

شرکت کشت و صنعت کارون در نظر دارد نسبت به تأمین اقلام مورد نیاز طبق شرح جدول ذیل اقدام نماید. متقاضیان جهت دریافت اسناد مناقصه و اطلاعات بیشتر می‌توانند از تاریخ درج آگهی به‌ضرایم تعطیل به مرکز شرکت پادفائر تهران واهواز مراجعه و باکت پیشنهادقیمت خود را حداکثر تا پایان ساعت ۱۲ روز دوشنبه مورخه ۹۹/۹/۰۱ منحصرا به مرکز شرکت تحویل نمایند. کلیه پیشنهادها راس ساعت ۱۳/۳۰ همان روز در مرکز شرکت بازگشایی وقرارت اخذ خواهد شد.

ردیف	شرح کالا	تعداد	مبلغ ضمانت نامه یا ساخت چک به اعتبار و سیل کیت چک
۱	ساخت چک به اعتبار و سیل کیت چک	۱۲۰۰۱۲	۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ (ریال)

هزینه در آگهی مناقصه در روزنامه بر عهده برنده مناقصه می باشد، شرکت در ردرا با قبول هر یک از پیشنهادها مختار می باشد.

آدرس مرکز شرکت: شوشتر، کیلومتر ۱۷ جاده قدیم در فول شرکت کشت و صنعت کارون، حوزه مدیریت بازگانی (امور قرار دادها)

تلفن: ۰۶۱-۳۳۲۲۲۰۰، ۰۶۱-۳۳۲۲۲۰۱ (داخلی ۲۲۱۸) فاکس: ۰۶۱-۳۴۲۲۳۰۶

دفتر اهواز: امامیه، خیابان سقراط، بین عارف ولقمان. تلفن: ۰۳۳۲۵۸۵ و ۰۳۳۲۳۳۳۸۸

دفتر تهران: خیابان کردستان شمالی، شیراز جنوبی بین پست موسوی پلاک یک. تلفن: ۰۲۱-۳۶۷۵۸۰۸۸

شرکت کشت و صنعت کارون

۱۰۰هزار تست کرونا

سعيد نمکی، وزير بهداشت از ورود تست‌های تشخیص سریع در آینده نزدیک به چرخه شناسایی بیماران کرونایی خبر داد و گفت، با ورود این تست‌ها روند شناسایی و ثبت بیماران جدید سرعت می‌گیرد.

کشور	تعداد کل مبتلایان	تعداد کل مرگ و میرها	تعداد کل مبتلایان در هر میلیون	تعداد کل مرگ و میرها در هر میلیون	جمعیت
۱	۳۱۳۷۱۵۹	۵۵۱۷۸۷	۳۳۷۵۸	۷۵۸	۳۳۱۱۷۲۷۴۴
۲	۸۸۴۰۹۰	۱۳۰۰۲۰	۶۳۸۳	۹۴	۱۳۵۸۰۴۹۰۲۷
۳	۵۸۵۸۸۵	۱۵۶۵۹۷	۲۴۴۴	۷۷۷	۱۱۳۱۲۸۹۲۹
۴	۱۹۵۵۹۹	۴۴۲۴۶	۲۹۹۲۰	۶۷۷	۶۵۳۱۳۷۵۵
۵	۱۹۵۸۸۵	۳۳۱۸۶	۱۱۹۴۴	۲۲۷	۱۵۲۵۵۷۶۳
۶	۱۹۲۹۰۸	۴۰۷۶۹	۳۱۹۲۰	۸۷۲	۲۶۹۶۱۵۷۹
۷	۱۳۶۹۳۱۸	۵۱۹۴۳	۲۰۸۳۳	۷۶۴	۶۸۰۱۹۲۶۳
۸	۱۳۰۹۴۴۶	۳۵۳۰۷	۷۲۷۱	۱۱۹	۵۵۱۰۰۸۷
۹	۱۱۹۱۰۰۴	۳۳۸۲۹	۲۳۳۱۴	۶۶۲	۲۵۰۸۰۳۳۵
۱۰	۱۱۷۵۰۲۹	۲۵۲۲۹	۱۹۵۰۳	۷۴۸	۶۰۲۳۴۷۲۱
۱۱	۱۰۰۳۳۵۲	۹۸۵۵۹	۷۷۵۱	۷۵۹	۱۱۹۳۴۳۰۴۳
۱۲	۹۴۳۹۹	۳۵۱۷۷	۲۸۰۹	۱۰۶۱	۲۳۹۲۴۲۷۲
۱۳	۷۹۹۸۲	۱۲۶۵۵	۹۴۵۳	۱۵۱	۸۳۸۸۲۲۶۶
۱۴	۷۶۲۰۶۸	۴۱۹۴۳	۹۰۲۰	۲۹۲	۸۲۹۱۲۴۹
۱۵	۷۶۹۱۸۲	۲۰۲۰۶	۱۵۵۳۷	۳۳۹	۵۵۵۵۵۵۵۱
۱۶	۷۱۹۲۷	۱۰۳۴۸	۱۸۸۴۶	۷۲۴	۳۷۸۳۱۰۲۰
۱۷	۵۳۵۵۷	۹۰۶۳	۱۲۲۸۱	۲۲۰	۲۳۶۳۴۴۲۸
۱۸	۵۳۱۸۰	۱۳۳۰۳	۲۵۷۶۷	۱۳۳۲	۱۱۶۰۸۳۸۸
۱۹	۵۳۱۳۷	۱۲۸۹۱	۳۷۷۰۳	۷۷۳	۱۹۱۷۷۲۶۷
۲۰	۵۱۹۱۵۲	۱۱۶۷۰	۱۸۸۰۲	۲۸۸	۴۰۵۵۳۳۳۲

IMIDRO

IRANIAN MINES AND MINING INDUSTRIES
DEVELOPMENT AND RENOVATION ORGANIZATION

سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران

(آگهی تجدید فراخوان مناقصه عمومی)

موضوع: احداث زیر بناهای معادن (راهسازی)

سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران به عنوان دستگاه اجرایی طرح ایجاد زیر بناهای لازم در معادن بزرگ و مناطق معدنی کشور در نظر دارد موضوع مناقصات به شرح ذیل را به صورت عمومی از طریق سامانه تدار کات الکترونیکی دولت بر گزار و به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید.
کلیه مراحل مناقصه از دریافت اسناد توان انجام کار تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و باز گشایی پاکتها از طریق درگاه سامانه تدار کات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
تاریخ انتشار اسناد در سامانه روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۸/۲۶ می باشد.

موضوع	شماره فراخوان در سامانه ستاد	مدت ومحل اجرا	رئيه ورشته پيمانكاري
تجدیدارزیابی کیفی مناقصه احداث راه دسترسی به معادن آهک ماغر باسوج در استان کهگیلویه وبویر احمد	۲۰۹۹۰۰۳۰۰۷۰۰۰۰۹۹	۸ ماه- استان کهگیلویه وبویر احمد و در ۵/۱۶ کیلومتری شمال شهر لنگدو و ۴ کیلومتری شمال شرقی روستای گدار تختی	راه و ترابری
تجدید مناقصه دومر حله ای فشرده همزمان با ارز یابی کیفی احداث راه دسترسی به معدن سرب وروی نخلگرد استان اصفهان	۲۰۹۹۰۰۳۰۰۷۰۰۰۱۰۰	۱۲ ماه- شهرستان نائین، استان اصفهان	راه و ترابری

رعایت الزامات HSEE کارفرما و کسب حد نصاب نمره این بخش در این مناقصات الزامی است .

مهلت و محل دریافت اسناد:

مهلت زمانی دریافت اسناداز سامانه ستاداز ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۹۰۸/۲۶ لغایت ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۹/۰۲ می باشد.

مهلت ارائه پیشنهادها:

آخرین مهلت ارائه پیشنهادها ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه ۱۳۹۹/۰۹/۱۶ می باشد.

نشانی و شماره تماس دستگاه مناقصه گزار:

تهران، خیابان طالقانی، نرسیده به بهار، شماره ۱۵۴، طبقه ششم، طرح ایجاد زیر بنهای لازم در معادن بزرگ و مناطق معدنی
تلفن: ۰۲۱-۸۸۳۳۴۰۰۴

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: ۰۲۱-۴۱۹۳

۲۵۹۶ الف

دوشنبه ۲۶ آبان ۱۳۹۹ - ۳۰ ربیع الاول ۱۴۴۲ - ۱۶ نوامبر ۲۰۲۰ - سال نو دویچم - شماره ۲۷۷۰۳

حکومت شیخ الیملاکله

بسا عالمی که جهلش اورا از پای در آورد با آنکه علمش با او بود و سودش نیخشید.

بیانیه

به مناسبت سالروز درگذشت علامه طباطبایی

دریای معرفت

«وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ، اتَّبِعُوا مَنَ لَا يُنْفِكُ عَنْكُمْ وَهُمَ مُّهْتَدُونَ» (و [در این میان] مُردی از دورترین جای شهر دوان آمد [و] گفت: «ای مردم، از این فرستادگان پیروی کنید. از آنان که هیچ اجر و مزد رسالتی از شما نمی‌خواهند» خود [به راه حق] هدایت یافته‌اند پیروی کنید.) (سوره یس: ۱۰۲)

با دستاری نخ نما و جامه‌ای آروسته به اندراس پوشیده بر اندامی لرزان و سرشار از آرامش و متبته و همبری با آن «فلک پیمای چست چست خیز» پاهایی بدون جورتب ؛ محاسنی گوناگه نگاه می‌داشت و سخنگو که «اسرار غیب آموخته» او «لبهایی مترنم به ذکر حق و خاموش از گفتار با اغیار جز به قدر ضرورت و وقت نیاز که.

هرکه را اسرار حق آموختند مُهر کردند و دهانش دوختند مَردی از قبیله ایمان و علم که فعلش گواه قولش بود بل فراتر از آن. عالم عاملی که محضرش کلاس درس و سقوتش عین آموز بود و آموختنی ؛ با ترکیب معرفت از درگاه گذشته و به بارگاه راه یافته بود ؛ جاییها را یکسر و نهاده و از دیاره دریا، ابدیت را می‌دید و حقیقت را می‌گوید. ره‌آورد مراقبه اش رها شدن از قید گفتار و با نهادن به ساحت دیدار بود.

بدی را بلد نبود که مبدا می‌لش عوض شده و سمت و سوی استعلائی یافته بود.

از مقامات تپتِل تا فنا
پله پله تا ملاقات خدا
شُلُق و خویی قرآنی ؛ حالی طالب بر قیل و قال و اقیانوس موج جانی که سواحل تن را احاطه کرده بود.
اخلاق و رفتارش در منزل او نیز بیرون به تعبیر دخترش «محدث» بود ؛ هیچگاه خشمگین نشد و کسی صدای بلندش را در صحبت نشنید.
پیشتر از اندیشه‌های اندیشیدان را آموخته بود و فراتر از آن دیدن را ؛ عرفان را نیز غیر از رؤیت نمی دانست.

بعد ازین ما دیده خواهیم از تو بس
تا نبوشد بحر را خشناک و خسی

از منظر کرامت انسان را می‌دید و حق حیات را برای هر موجودی مُحَرَز می‌دانست و می‌فرمود: در منزل، هیچگاه مغ و خروسی فنج نکرديم و آنها مقتضای طبیعت خود عَمرشان به اتمام می‌رسید.
با سعه صدر و اِمعان نظر در افکار و ایده‌ها تأمل داشت و هیچگاه رسوبات قیرگون جزم و جمود و مجال و امکان نشستن بر ذهن و ضمیر پویشش را نیافتند؛ ضمن مطالعه متون مقدس آینه‌های شرقی؛ محاسن آنان را می‌ستود و در مصاحبت با دانش‌ورانی از مکاتب دیگر گوش به کلامشان می‌سپرد و ادب ؛ بزرگ منشی و اقامه برهان بارزترین ویژگی اش بود.

خاضران در مجالس درشش؛ پیشتر از نویسین سخنان حکمت‌آمیز شَکوه

جاش را به نظاره می‌نیشنند ؛ از دریای معرفش سیراب و در «آن» چشماش غوطه ور می‌نشدند و گاه در سفری غربی از مَرزهای عالم حس بیرون می‌شدند.
چنانکه دانش آموخته برجسته اش استاد حسن زاده آملی گوید: «هرفت و ما را نیز با خود می‌برد که مظهر اسم محیط شده بود»

دانش گسترده اش نه فقط از تدریس استادان که بیشتر به بُعِن تفریس به بار نشسته بود. آیت الله جوادِی اُلمی می‌گوید: از استادانش شنیدم که آنچه از ذهن و زبان علامه تراوش می‌کند ؛ اغلب یافته‌های خودش می‌باشد و در دوران تحصیل چنین مطالبی با وی مطرح نشده بود.

کاری در درون جِسان می‌ساید
وز عیاربه‌ها دری تو را نگشاید
یک چ چشمة آب در درون خانه
به زان رودی که از برون می‌آید

شعرا ارزشمند حیانش در گستره بیان و بیان؛ پرورش شاگردان برجسته که معنات و مقول و نگارش آثار جاودانه در علوم دینی و فلسفی است که با اخلاص تمام تبحر یافته درآه‌جند. تفسیر المیزان عظیمترین اثر علامه در ۲۰ جلد و اصول فلسفه از تالیفات معروف آن عزیز می‌باشد ولی دیگر آثارش مخصوصا دو کتاب: رساله‌الولاية و انسان قبل الدنيا و انسان فی الدنيا و انسان بعد الدنيا، نیز از ارزش بس والایی برخوردارند.

فراخوان مناقصه عمومی یک مر حله ای شر کت آلومینیای ایران (نوبت اول)

شسرت آلومینیای ایران در نظر دارد مناقصه زیر را از طریق سامانه تدار کات الکترونیکی دولت برگزار نماید.
کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و باز گشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس WWW.setadiran.ir انجام خواهد شد.
و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

ردیف	موضوع مناقصه	نوع مناقصه	شماره مناقصه در سامانه الکترونیکی دولت
۱	انجام عملیات طراحی، تهیه متر یال و اجرای فونداسیون، خرید، حمل، نصب و راه اندازی تاور کرین واحد ۱۶ مجتمع آلومینیای ایران	عمومی یک مر حله ای	۲۰۹۹۰۰۱۴۹۱۰۰۰۰۴۰

مهلت زمان ی دریافت اسناد مناقصه از سایت: از مورخ ۱۳۹۹/۰۸/۲۷ لغایت مورخ ۱۳۹۹/۰۹/۰۱ می باشد.
مهلت زمان ی ارائه پیشنهاد: مورخ ۱۳۹۹/۰۹/۲۳ می باشد.
زمان باز گشایی پاکت ها: از مورخ ۱۳۹۹/۰۹/۲۵ می باشد.
اطلاعات تماس مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت های الف: استان خراسان شمالی – شهرستان جاجرود – مجتمع تولید آلومینا، به شماره: ۰۴۷-۳۲۶-۰۵۸ و فکس ۰۵۸-۳۲۲۷۲۴۸۷
پست الکترونیک Info@iran.Alumina.ir
آدرس اینترنتی WWW.Iran.Alumina.ir
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس: ۰۲۱-۴۱۹۳۴-۰۲۱
دfter ثبت نام: ۰۸۹۹۹۶۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸-۰۲۱

روابط عمومی شر کت آلومینیای ایران

آگهی مناقصه

معاونت مهندسی نیروی انتظامی استان کرمانشاه

فرماندهی انتظامی استان کرمانشاه در نظر دارد جهت احداث پروژه با مشخصات ذیل در شهرستان دالاهو به‌صورت اجرای کارهای ساختمانی به‌صورت سر جمع (مقطوع) براساس فهرست بهاء پایه ابنیه، برقی و مکانیکی سال ۱۳۹۹ و کلیه ضرایب متعلقه به این فهرست بهاء و کسورات براساس طرح‌های عمرانی نسبت به برگزاری تشریفات مناقصه اقدام نماید. لذا کلیه پیمانکاران واجد صلاحیت پیمانکاری معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری که دارای پایه حداقل ۵ در رشته ابنیه و دارای پایه حداقل ۵ در رشته تأسیسات و تجهیزات می‌باشند، دعوت می‌گردد حداکثر ظرف مدت ۱۵ روز اداری با همراه داشتن فتوکپی برابر با اصل رتبه‌بندی شرکت جهت اعلام آمادگی و دریافت اسناد ارزیابی توان اجرایی کار به آدرس: کرمانشاه ـ خیابان بنت‌الهدی صدر ستاد فرماندهی انتظامی استان کرمانشاه ـ معاونت مهندسی ـ اداره فنی و نظارت راجعه نمایند.

تلفن‌های تماس: ۰۸۳۳۲۱۸۲۱۳۴۴-۰۸۳۳۲۱۸۲۱۴۵۶

ردیف	عنوان پروژه	ساختمان (مترمربع)	محتویات (مترمربع)	متر از پروژه	حدود برآورد پروژه (ریال)	مدت پیمان (ماه)	کولر آبی و گازی	پکیج زمینی و رادیاتور	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (ضمانت‌نامه بانکی) به ریال
۱	ساختمان دالاهو	۳۷۹	۲۸۰	۲۷۱۵	۶۰	۱۷	۳۱۲/۲۰/۱۱۷/۲۲۸	۸	۱/۵۶۰/۴۵۵/۸۶۶

(ضمناً هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد)

اطلاعات

پاسخ رئیس بانک مرکزی به دکتر قالیباف

رئیس کل بانک مرکزی در پاسخ به سخنان اخیر رئیس مجلس شورای اسلامی عنوان کرد: واردکردن بانک مرکزی را به مباحث سیاسی و حاشیه‌ای توصیه نمی‌کنم و آن را به صلاح کشور نمی‌دانم؛ اعتقاد دارم تمام نیروی انجانب و بانک مرکزی باید معطوف به مقابله با تحریم‌ها و کمک به اقتصاد کشور باشد.

به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی، متن کامل نامه دکتر عبدالناصر همتی، رئیس کل این بانک به شرح زیر است:

جناب آقای دکتر قالیباف، رئیس محترم مجلس شورای اسلامی با سلام و احترام؛

موضوع امروز (دیروز) حضرتعالی درنطق پیش از دستور مجلس درخصوص مشکلات اقتصادی کشور مطالبی را بیان فرموده و با اضافه کردن منطقه استقرار ساختمان بانک مرکزی این مطلب را القاء فرمودید که اگر در جستجوی دلایل مشکلات اقتصادی هستید، در کنار بقیه بخش‌ها در درمیان (بانک مرکزی) هم باید آن را جست و نه در جرجیا و آریزون و ده هفته پیش هم متأسفانه بانک‌مرکزی را منته به ایجاد خود تحریم می‌کنم و آن را به صلاح کشور نمی‌دانم و اعتقاد دارم تمام نیروی ملیه کشورمان را مدیریت کرده و با پیروی از رهنمودهای رهبر معظم انقلاب سد محکمی درمقابل توطئه گسترده آمریکا و هم‌پیمانانش برای روپاشی اقتصاد کشور بوده است.

حضرتعالی به خوبی درجران مسائل و مشکلات کشور هستید و چند بار هم شخصصا جناب‌عالی را در جریان مشکلات قرار داده و شرایط را درجلسات مختلف مجلس خدمت تان تشریح کرده ام لذا، من واردکردن بانک مرکزی را به مباحث سیاسی و حاشیه‌ای توصیه نمی‌کنم و آن را به صلاح کشور نمی‌دانم و اعتقاد دارم تمام نیروی انجانب و بانک مرکزی باید معطوف به مقابله با تحریم‌ها و کمک به اقتصاد کشور باشد.

انتظار دارم جنابعالی که در جریان همه امور قرار دارید، برای کمک به رویکرد بانک مرکزی در مقابله با این فشارهای اقتصادی، با سیاست های ضدتورمی و تلاش برای رونق تولید داخلی همراه و همگام شوید. هدف از تحریر این مرقومه هم صرفا تأکید به این نکته است که مردم عزیز بلدانت اگر بانک مرکزی چشم به نتیجه انتخابات آمریکا دوخته بود، اینگونه با قدرت درمقابل فشار حاکماتری ایستادگی نمی‌کرد و این‌قدر هم هدف حمله دشمنان قرار نمی‌گرفت. ان‌شاءالله در فرصت مناسب مردم عزیز را در جریان مسائلی که بر بانک مرکزی گذاشته، خواهم داد.

بارها عرض کرده‌ام ملت بزرگ ایران پیروز این میدان خواهند بود و این پیروزی قطعی است.

وزیر نیرو: تمامی استان های مناطق مرکزی می‌توانند از آب دریا استفاده کنند

در اجرای طرح شیرین‌سازی و انتقال آب از خلیج فارس به فلات مرکزی بیش از ۱۹۰ شرکت ایرانی با حدود ۱۶ هزار نیروی انسانی مشغول کار هستند و تاکنون حدود ۱۶ هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان سرمایه گذاری شده و بر این اساس همه استان‌های مناطق مرکزی کشورمان با توجه به شرایطی که تدوین شده می‌توانند از آب دریا استفاده کنند

در دو سال گذشته به علت شرایط خوب بارشی، حدود یک میلیارد مترمکعب بیلان منفی سفره های آب زیرزمینی چبران و تالاب‌های زیادی سیراب شده است به گزارش نستیم، این مطالب را دکتر رضا اردکانیان وزیر نیرو در برنامه «نگاه کلی» صدا و سیما اعلام کرد و با اشاره به اینکه پوشش آلف ب-ایران برای اجرا، تکمیل و بهره برداری رساندن ۲۵۰ طرح بسزرگ آب، برق و فاضلاب در کشور طی اسامال با سرمایه گذاری ۵۰ هزار میلیارد تومان راه اندازی شده است، گفت: در اجرای این پوشش تاکنون اجرای ۷ سد مخزنی، ۸ طرح شبکه آبیاری و زهکشی، ۴ تصفیه خانه بزرگ آب، ۷ تصفیه خانه بزرگ فاضلاب و آب‌رسانی به ۴۴۸ روستا و ۷ شهر بزرگ انجام شده همچنین ۹ نیروگاه حرارتی، ۱۳ نیروگاه تجدید پذیر، ۵ نیروگاه مقیاس کوچک و ۳۳ طرح پست و خطوط انتقال به ثمر رسیده است. رضا اردکانیان در ادامه با اشاره

بانک مرکزی وقوه قضائیه برای اجرا کامل اصلاح قانون صدور چک تفاهنامه امضای‌کنند

قائم مقام بانک مرکزی با اشاره به سرعت عمل بانک مرکزی در اجرای بخشی از مفاد قانون جدید چک گفت: با توجه به زیرساخت‌های توسعه یافته در این بانک، اجرای بخشی از اصلاحات مقررشده در قانون «اصلاح قانون صدور چک» بلافاصله بعد از ابلاغ قانون مذکور ممکن بود و نیاز به ایجاد زیرساخت فنی نداشت؛ بنابراین پس از ابلاغ قانون در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۹۷ بخشی از تکلیف مندرج در قانون با فاصله زمانی اندکی توسط قوه قضائیه، بانک مرکزی و بانک‌ها عملیاتی شد. وی همچنین با اشاره به منوط شدن اعتبار صدور چک به ثبت اطلاعات آن در سامانه یکپارچه بانک مرکزی گفت: مطابق ماده هشت قانون مذکور، بانک مرکزی مکلف است امکاناتی را ایجاد کند که در پرونده‌های چک و تسهیل هزینه بالا به فعالان اقتصادی و همچنین ضیف نظارت و کنترل بر فرآیند صدور و انصراف به لاشه کاغذی چک، مهم‌ترین مشکلات و مسایلی بودند که منجر به آن شد تا با بازنگری و اصلاح قانون صدور چک در دستور کار قرار گیرد. وی افزود: اینگونه بود که قانون جدید چک با عنوان «قانون اصلاح قانون صدور چک» پس از انجام گستره بررسی‌های کارشناسی و آسیب‌شناسی دقیق و ضمیمه‌چرانی یکجاه‌ای و لامل‌ل و همچنین به‌رمندی از تجارب موفق دیگر کشورها در حوزه قوانین چک، تدوین و با رأی قاطع نمایندگان مجلس تصویب شد.

اجرای کامل احکام مندرج در قانون اصلاح

قانون صدور چک، مستلزم مشارکت و همکاری سایر نهادهای از جمله قوه قضائیه است و در این زمینه اجرای تکلیف قانونی بانک مرکزی، منوط به اطلاع از دریافت آرای قطعی محاکم قضایی است و در این مورد هم تفاهنامه تبادل اطلاعات بین بانک مرکزی و قوه قضائیه تهیه و به منظور اخذ تایید نهایی برای رئیس قوه قضائیه ارسال شده است

بسه گزارش روابط عمومی بانک مرکزی، اکبر کیمیجانی قائم مقام بانک مرکزی در گفتگویی ضمن اعلام این مطلب، با اشاره به مشکلات اصلی حوزه چک گفت: تسهیل‌های شدن و تقویت اعتبار و اطمینان به چک و افزایش ریسک معاملات و ایجاد ناامی در فضای کشور، آگاه اطلاع دادرسی در پرونده‌های چک و تسهیل هزینه بالا به فعالان اقتصادی و همچنین ضیف نظارت و کنترل بر فرآیند صدور و انصراف به لاشه کاغذی چک، مهم‌ترین مشکلات و مسایلی بودند که منجر به آن شد تا با بازنگری و اصلاح قانون صدور چک در دستور کار قرار گیرد. وی افزود: اینگونه بود که قانون جدید چک با عنوان «قانون اصلاح قانون صدور چک» پس از انجام گستره بررسی‌های کارشناسی و آسیب‌شناسی دقیق و ضمیمه‌چرانی یکجاه‌ای و لامل‌ل و همچنین به‌رمندی از تجارب موفق دیگر کشورها در حوزه قوانین چک، تدوین و با رأی قاطع نمایندگان مجلس تصویب شد.

آگهی مناقصه عمومی دومر حله‌ای

شرکت آلو مینیوم المهدی در نظر دارد نسبت به انجام عملیات آماده سازی، خردایش، بارگیری بانس لاشه بندی شده و تمیزکاری در شرکت خود مطابق شرایط مندرج در اسناد از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید. لذا بدنبوسیله‌ای کلیه متقاضیان دارای صلاحیت دعوت می‌شود جهت دریافت اسناد مناقصه به وب سایت المهدی به آدرس **www.almahdiir** مراجعه و فایل مربوطه را دانلود نمایند.

توضیحات:

آخرین مهلت ارائه پیشنهادها: تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۹۹/۰۹/۰۹

ضمائم:نامنه: تضمین شرکت در مناقصه مبلغ ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ (یک میلیارد و دویست میلیون ریال) می باشد که می بایست بصورت ضمانت نامه بانکی حداقل سهماهه قابل تعدیل ارائه شود.

محل تحویل پاکت های مناقصه: بندرعباس، یکومتر ۱۸ جاده اسکله شهیدرجانی، بلوار صنعت، شرکت آلو مینیوم المهدی، دبیرخانه شرکت.

تلفن: ۰۶۶-۳۳۵۹۵۵۰۲۱ دورنگار: ۰۶۶-۳۳۵۹۵۵۰۰۶

کلیه پاکت های مناقصه می بایست به صورت درسته، مهرور و موضوع مناقصه روی پاکت ذکر گردد. ضمناً ارسال اسناد فنی مناقصه بصورت مهر و امضاء شده از سوی شرکت کنندگان الزامی است.

ضمافا اینکه به پیشنهادهای مشروط، مخدوش، فاقد امضاء و پیشنهادهایی که بعداز مدت مقرر در آگهی واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد.

شرکت آلو مینیوم المهدی

شرکت آلو مینیوم المهدی

شرکت آلو مینیوم المهدی

شرکت آلو مینیوم المهدی

شرکت آلو مینیوم المهدی

شرکت آلو مینیوم المهدی

شرکت آلو مینیوم المهدی

شرکت آلو مینیوم المهدی

شرکت آلو مینیوم المهدی

شرکت آلو مینیوم المهدی

شرکت آلو مینیوم المهدی

شرکت آلو مینیوم المهدی

شرکت آلو مینیوم المهدی

شرکت آلو مینیوم المهدی

شرکت آلو مینیوم المهدی

شرکت آلو مینیوم المهدی

شرکت آلو مینیوم المهدی

شرکت آلو مینیوم المهدی

شرکت آلو مینیوم المهدی

شرکت آلو مینیوم المهدی

شرکت آلو مینیوم المهدی

شرکت آلو مینیوم المهدی

شرکت آلو مینیوم المهدی

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

شرکت شهرک های صنعتی چهار محال وبختیاری

فروش باغات درون شهر، خشکاندن درختان برای ساخت ساختمان و انواع دیگر سواگری در زمینه ملک و املاک، عمده‌دلیل این اتفاقات است. در یک منظر که نگاه کنیم، فضای سبز، به ویژه درخت برای هر شهر لازم و ضروری است و کمتر کسی است که از آن بی‌خبر باشد. این موضوع اما اگرهایی دارد که در صورت نادیده نگاشتن، خود فاجعه‌ای برای محیط زیست محسوب می‌شود.

گونه‌های بومی

مهمترین فاکتور برای کاشت گیاهان به ویژه برای شهرها، گونه گیاهی است که برای فضای سبز انتخاب می‌شود. اگر گونه‌های انتخاب شده با آب و هوا و شرایط اقلیمی شهر، سازگار نباشد، مطمئنا نه تنها تأثیر مثبتی بر محیط زیست نخواهد گذاشت، بلکه به دلایل متعدد یک اقدام ضد محیط‌زیستی محسوب می‌شود.

طبی دهمه‌های اخیر در بسیاری از شهرهای ایران، گونه‌های غیر بومی برای فضای سبز استفاده شد که نتیجه‌ای بعضا خسارت‌باری به همراه داشت.

بدترین انتخابی که در ایران و در بسیاری از بکر کشورها برای فضای سبز شد، چمن بود. چمن گونه گیاهی مسازگار با آب و هوای ایران نیست. این گیاه در اروپا یا کشورهای که هم بارش زیاد



*** مهم‌ترین فاکتور بر ای کاشت گیاهان به ویژه برای شهرها، گونه گیاهی است که برای فضای سبز انتخاب می‌شود**

*** چمن در اروپا یا کشورهایی که هم بارش زیاد دارند و هم آفتاب مستقیم کم، سازگاری دارد و از آنجایی که در کشور ما آب کم و آفتاب زیاد است، هزینه‌های بسیاری برای نگهداری از این گیاه «ضد محیط زیستی» صورت می‌گیرد.**

از طرفی با توجه به سیزینه اندک این گیاه، تأثیر آن بر کاهش آلودگی هوا نیز بسیار ناچیز است و انرژی مورد استفاده برای کاشت، نگهداری، کوتاه کردن آن به قدری آلودگی تولید می‌کند که در برابر آن کمترین تولید شده توسط گیاه ناچیز است. از طرفی این موضوع صرفا مربوط به چمن نیست. برخی دیگر از اقلام مورد استفاده در فضای سبز شهری نیز کم و بیش همین مسائل را دارند.

درختان بومی زیادی در تهران و شهرهای بزرگ دیگر وجود دارند که برخی از آنها با مطالعه و به توجه به اقلیم خشک پایتخت سر از بوستان‌های شهریه در آورده‌اند، اما باز هم تأکید دانشمندان محیط زیست بر جلوگیری از هرگونه جا به جایی گونه‌هاست.

*** مهم‌ترین فاکتور بر ای کاشت گیاهان به ویژه برای شهرها، گونه گیاهی است که برای فضای سبز انتخاب می‌شود**

*** چمن در اروپا یا کشورهایی که هم بارش زیاد دارند و هم آفتاب مستقیم کم، سازگاری دارد و از آنجایی که در کشور ما آب کم و آفتاب زیاد است، هزینه‌های بسیاری برای نگهداری از این گیاه «ضد محیط زیستی» صورت می‌گیرد.**

از طرفی با توجه به سیزینه اندک این گیاه، تأثیر آن بر کاهش آلودگی هوا نیز بسیار ناچیز است و انرژی مورد استفاده برای کاشت، نگهداری، کوتاه کردن آن به قدری آلودگی تولید می‌کند که در برابر آن کمترین تولید شده توسط گیاه ناچیز است. از طرفی این موضوع صرفا مربوط به چمن نیست. برخی دیگر از اقلام مورد استفاده در فضای سبز شهری نیز کم و بیش همین مسائل را دارند.

درختان بومی زیادی در تهران و شهرهای بزرگ دیگر وجود دارند که برخی از آنها با مطالعه و به توجه به اقلیم خشک پایتخت سر از بوستان‌های شهریه در آورده‌اند، اما باز هم تأکید دانشمندان محیط زیست بر جلوگیری از هرگونه جا به جایی گونه‌هاست.

در تهران فضای سبز سالانه بیش از ۵۰۰ میلیون مترمکعب آب می‌خورد. بسا توجه به کمبود آب و خشکی طبیعی اقلیم تهران، بخشی از این آب از سد‌ها و بخشی دیگر از منابع زیرزمینی تأمین می‌شود که اتفاقات بسیار زیادی را به همراه دارد. آب‌های زیرزمینی که برای آبیاری فضای سبز تهران استفاده می‌شود، بعضاً آب باران‌هایی که صدها سال پیش بر این خاک باریده و این یعنی استفاده از ذخایر برای روزمرگی. که افزایش فضای سبز شهری اقدامی در جهت احیای محیط زیست است. امروزه علمای محیط زیست این باور را ندارند و بعضاً فاجعه بار می‌دانند. چرا که تعادل اقلیم که شاید محصول میلیون‌ها سال زندگی انواع جانداران در منطقه است را به هم می‌زند.

در پایتخت پارک‌های جنگلی بزرگی وجود دارد که درختان غیر بومی شامل سرو و کاج چندین دهه پیش در آن کاشته شده‌اند. طی دهه‌های اخیر درختان رشد اندکی کرده‌اند نه سیزینه زیادی دارند و نه تأثیری جدی در بهبود آب و هوا. این پارک‌ها دهانی بزرگ برای بلعیدن آب‌های شهری هستند و

در نهایت به تفرجگاه‌هایی مقطعی برای شهروندان تبدیل شده‌اند.

تنها راه پیشنهاد علم محیط زیست، قبل از هر چیز جلوگیری از تخریب فضای سبز و درختان است. در مرحله بعدی، پیشنهاد عملی احیای گونه‌ها و باغی است که بیشتر در یک منطقه وجود داشته‌اند. متأسفانه در تهران، به دلیل بالا رفتن باورنکردنی ارزش ملک، باغات بسیار تخریب شده‌اند. با توجه به تخریب قنات‌های صدها سالانه پایتخت، امکان احیای آنها نیز غیر ممکن است.

درختان ایستاده می‌میرند

آلودگی هوا از تخریب فضای سبز می‌آید



قطع درختان شهری

همان‌طور که اشاره شد، قطع درختان در شهر در اغلب موارد سواگری است. با زمین شهری برای کاری مناسب تشخیص داده شده، با باغی از باغ‌های قدیمی برای ساخت برج.

عباس سبزواری، پژوهشگر اجتماعی یکی از موارد قطع درختان را از نزدیک شاهد بوده است. وی در گفتگو با گزارشگر روزنامه اطلاعات می‌گوید: ساخت و ایجاد فضای سبز و پارک‌های جنگلی در کلانشهری مثل تهران کاملاً با برنامه و از روی نیاز شهر ساخته شده است. پارک‌های مثل سوهانک لویزان یا چیتگر برای اینکه در اثر فعالیت‌های طبیعی درختان، دی اکسید موجود در فضا را جذب کند و اکسیژن احدا کند، این فضاها ایجاد شده‌اند.

وی می‌افزاید: با وجود این که در زمانی که این پارک‌ها ایجاد شدند، پیش‌بینی‌های بلند مدت و برنامه‌های استراتژیک احتمالاً مد نظر بوده اما شاید مسازندگان و موسسان این فضاهای سبز فکر نمی‌کردند جمعیت تهران به این رقم و آلودگی هوا به چنین نقطه ناپسمانی برسد.

آلودگی هوا، مسأله اصلی

بزرگترین مضل کلانشهرها آلودگی هواست. این موضوع مختص ایران یا تهران نیست، در همه جای دنیا، آنبوه جمعیت و خودرو، آلودگی‌های زیادی تولید می‌کند که آلودگی هوا مهم‌ترین آن است. سبزواری در این مورد می‌گوید: مسأله آلودگی هوای تهران و آسیب‌های جسمانی که برای شهروندان اعم از مردم و مسئولین است، رسانه‌ها به عنوان یک نهاد فرهنگی، فرهنگساز در حوزه‌ها و موضوعاتی است که ضرورت ایجاب می‌کند به جامعه بپردازد.

درختان ایستاده می‌میرند

آلودگی هوا از تخریب فضای سبز می‌آید



چیتگر در معرض تخریب؟

پارک‌های بزرگ تهران، حکم ریه کلانشهر میلوینی را دارند. یکی از پارک‌های مهم پارک چیتگر در غرب تهران است.

عباس سبزواری، پژوهشگر اجتماعی با اشاره به رفت و آمدهای مداوم خود به پارک چیتگر تهران می‌گوید: مشاهدات من متوجه ضلع غربی جنگل چیتگر و فضای سبز شهرک سروآزاد می‌شود. من برای پیاده‌وری از این منطقه استفاده می‌کنم و با توجه به حساسیت‌های اجتماعی می‌بینم که در اثر کم‌توجهی که متولیان فضای سبز دارند و از طرفی مسائل فرهنگی که متوجه مردم است درختان آن

منطقه بریده می‌شود یا پوست‌شان عمداً کنده می‌شود و درخت خشک می‌شود. این خشک شدن شاید بهانه به دست کسانی بدهد که به چوب نیاز دارند و با طب خاطر درختان را قطع کنند. به نظر می‌آید این اما این محدود به درختان خشک نیست، صحنه‌های خیلی بکران کننده‌ای دیدم که درخت سالم را از ریشه در آورده‌اند و سوزانده اند. درختان سالم از کمر قطع کرده‌اند و برای سوزاندن مورد استفاده قرار گرفته است. برای خوشگذرانی شاه‌های درختان را می‌شکنند و می‌سوزانند؛

درختانی را می‌برند و با تنه درختان جوجه کیاب درست می‌کنند و در سایه آتشی که به جان درختان افاده می‌تفریح می‌گردانند. من دو روز وقت گذاشتم و سعی کردم تعدادی عکس تهیه کنم تا بلکه چیتگر را کسی نجات دهد.

این پژوهشگر استفاده از قوه قهریه را چندان کارا نمی‌داند و توضیح می‌دهد: فکر می‌کنم استفاده از قوای تهریه کمک چنان‌ای نکند، اگرچه در جاهایی لازم است، اما اعلی القاعده این یک مسأله فرهنگی است. در شرایطی که آلودگی هوا در شهری مثل تهران از استاندارد فراتر رفته و یک ماه از سال در وضعیت قرمز است، به نظر نمی‌آید با یک نگاه فانتزی بلکه با یک نگاه واقع گرایانه، برای حفظ یک درخت باید عزای عمومی اعلام کرد.

به گفته سبزواری، با این نگرش و پیشفرض، درختانی که برای تولید اکسیژن کاشته شده برای خوشگذرانی اجتماعی قطع می‌شوند؛ این یعنی یک مسأله فرهنگی، نبود توسعه فکری، یعنی اینکه نهادهای فرهنگی ما وظایف‌شان را به درستی انجام

نداده‌اند. و اگر به درستی انجام می‌دادند و مسأله حفظ فضاهای سبز و اهمیت آن برای جامعه و شهروندان توصیف و تبیین می‌کردند و کارهای فرهنگی به اندازه کافی انجام می‌شد ما با چنین صحنه‌هایی مواجه نبودیم.

*** یک فعال اجتماعی – فرهنگی: آلودگی هوا، مسأله بسیار مهمی برای کلانشهر و شهروندان آن است. و به این مساله با یک توجه و دقت بسیار بیشتر از آنچه‌که در حال حاضر توجه می‌شود، مورد عنایت هم شهروندان و هم افکار عمومی و رسانه‌ها و هم مسئولین قرار بگیرد**

*** با توجه به جهت وزش باد، پارک‌های بزرگ تهران، حکم ریه کلانشهر میلیونی را دارند که یکی از پارک‌های مهم، پارک چیتگر است**

*** ممکن است بگویم افراد کمی هستند که مرتکب قطع درختان می‌شوند و همه اینگونه نیستند، اگر تعداد این افراد کم است، باید پرسید چرا تعداد افرادی که به آنها تذکر بدهند و اکتش در دست نشان دهند زیاد نیست؟**

*** رسد تدوین یک راهبرد بلند مدت برای کلانشهرهای کشور می‌تواند دست کم از اشتباهات گذشته در مورد ایجاد و گسترش فضاهای سبز شهری و نیز انتخاب گونه‌ها بکاهد تأثیر حضور درختان در طراوت هوای شهرها و نیز زیبایی بصری آن بر کسی پوشیده نیست. با این حال همواره اخباری در مورد قطع درختان، از بین بردن بوستان‌ها و فضای سبز در رسانه‌ها منتشر می‌شود**

*** یک فعال اجتماعی – فرهنگی: آلودگی هوا، مسأله بسیار مهمی برای کلانشهر و شهروندان آن است. و به این مساله با یک توجه و دقت بسیار بیشتر از آنچه‌که در حال حاضر توجه می‌شود، مورد عنایت هم شهروندان و هم افکار عمومی و رسانه‌ها و هم مسئولین قرار بگیرد**

این فعال اجتماعی در پایان به نکته‌ای دیگر در مورد پارک جنگلی چیتگر اشاره می‌کند و می‌افزاید: اهمیت پارک چیتگر برای تهران از دیگر پارک‌ها بیشتر است چرا که باد غالب در تهران از غرب به شرق می‌وزد، بنابراین اکسیژن تولید شده توسط درختان این پارک با یک نسیم وارد شهر می‌شود. ♦♦♦

همان‌طور که اشاره شد، باورهای نادرست در مورد محیط‌زیست می‌تواند فاجعه بار باشد. از طرفی تخریب‌های گسترده باغات و درختان عملی برای نگرانی شهروندان و فعالان اجتماعی است.

به نظر می‌رسد تدوین یک راهبرد بلند مدت برای کلانشهرهای کشور می‌تواند دستکم از اشتباهات گذشته در مورد ایجاد و گسترش فضاهای سبز شهری دولتی و مردمی فعال در زمینه محیط زیست لازم است به اصلاح اقداماتی بپردازند که خود می‌تواند عاملی در تخریب محیط زیست باشد، اگرچه در ظاهر و در نیت در راستای محیط زیست انجام شده باشند.

سؤال است، من فکر می‌کنم اهمیت حفظ و صیانت

نداده‌اند. و اگر به درستی انجام می‌دادند و مسأله حفظ

فضاهای سبز و اهمیت آن برای جامعه و شهروندان توصیف و تبیین می‌کردند و کارهای فرهنگی به اندازه کافی انجام می‌شد ما با چنین صحنه‌هایی مواجه نبودیم.

رفتار ضد اجتماعی

قطع و از بین بردن درختان به هر شکل، از رفتارهای ضد اجتماعی است. این رفتار در بسیاری از کشورها با جریمه‌های سنگینی روبرو می‌شود اما مهم‌ترین مسأله فرهنگ‌سازی است.

عباس سبزواری در این مورد می‌گوید: ممکن است بگویم افراد کمی هستند که مرتکب این رفتار ضداجتماعی می‌شوند و همه نیستند. بسیار خوب اگر تعداد این افراد کم است چرا تعداد کسانی که به آنها تذکر بدهند و واکنش نشان دهند زیاد نیست؟

وی ادامه می‌دهد: فرض کنید تعداد افراد خرابکار کم است چرا تعداد افراد معترضی که واکنش داشته باشند کم است؟ چرا ما اقتدر بی تفاوتیم؟ این خود سؤال است، من فکر می‌کنم اهمیت حفظ و صیانت

نداده‌اند. و اگر به درستی انجام می‌دادند و مسأله حفظ

فضاهای سبز و اهمیت آن برای جامعه و شهروندان توصیف و تبیین می‌کردند و کارهای فرهنگی به اندازه کافی انجام می‌شد ما با چنین صحنه‌هایی مواجه نبودیم.

عباس سبزواری در این مورد می‌گوید: ممکن است بگویم افراد کمی هستند که مرتکب این رفتار ضداجتماعی می‌شوند و همه نیستند. بسیار خوب اگر تعداد این افراد کم است چرا تعداد کسانی که به آنها تذکر بدهند و واکنش نشان دهند زیاد نیست؟

وی ادامه می‌دهد: فرض کنید تعداد افراد خرابکار کم است چرا تعداد افراد معترضی که واکنش داشته باشند کم است؟ چرا ما اقتدر بی تفاوتیم؟ این خود سؤال است، من فکر می‌کنم اهمیت حفظ و صیانت

نداده‌اند. و اگر به درستی انجام می‌دادند و مسأله حفظ فضاهای سبز و اهمیت آن برای جامعه و شهروندان توصیف و تبیین می‌کردند و کارهای فرهنگی به اندازه کافی انجام می‌شد ما با چنین صحنه‌هایی مواجه نبودیم.

عباس سبزواری در این مورد می‌گوید: ممکن است بگویم افراد کمی هستند که مرتکب این رفتار ضداجتماعی می‌شوند و همه نیستند. بسیار خوب اگر تعداد این افراد کم است چرا تعداد کسانی که به آنها تذکر بدهند و واکنش نشان دهند زیاد نیست؟

وی ادامه می‌دهد: فرض کنید تعداد افراد خرابکار کم است چرا تعداد افراد معترضی که واکنش داشته باشند کم است؟ چرا ما اقتدر بی تفاوتیم؟ این خود سؤال است، من فکر می‌کنم اهمیت حفظ و صیانت

نداده‌اند. و اگر به درستی انجام می‌دادند و مسأله حفظ فضاهای سبز و اهمیت آن برای جامعه و شهروندان توصیف و تبیین می‌کردند و کارهای فرهنگی به اندازه کافی انجام می‌شد ما با چنین صحنه‌هایی مواجه نبودیم.

عباس سبزواری در این مورد می‌گوید: ممکن است بگویم افراد کمی هستند که مرتکب این رفتار ضداجتماعی می‌شوند و همه نیستند. بسیار خوب اگر تعداد این افراد کم است چرا تعداد کسانی که به آنها تذکر بدهند و واکنش نشان دهند زیاد نیست؟

وی ادامه می‌دهد: فرض کنید تعداد افراد خرابکار کم است چرا تعداد افراد معترضی که واکنش داشته باشند کم است؟ چرا ما اقتدر بی تفاوتیم؟ این خود سؤال است، من فکر می‌کنم اهمیت حفظ و صیانت

نداده‌اند. و اگر به درستی انجام می‌دادند و مسأله حفظ فضاهای سبز و اهمیت آن برای جامعه و شهروندان توصیف و تبیین می‌کردند و کارهای فرهنگی به اندازه کافی انجام می‌شد ما با چنین صحنه‌هایی مواجه نبودیم.

عباس سبزواری در این مورد می‌گوید: ممکن است بگویم افراد کمی هستند که مرتکب این رفتار ضداجتماعی می‌شوند و همه نیستند. بسیار خوب اگر تعداد این افراد کم است چرا تعداد کسانی که به آنها تذکر بدهند و واکنش نشان دهند زیاد نیست؟

وی ادامه می‌دهد: فرض کنید تعداد افراد خرابکار کم است چرا تعداد افراد معترضی که واکنش داشته باشند کم است؟ چرا ما اقتدر بی تفاوتیم؟ این خود سؤال است، من فکر می‌کنم اهمیت حفظ و صیانت

نداده‌اند. و اگر به درستی انجام می‌دادند و مسأله حفظ فضاهای سبز و اهمیت آن برای جامعه و شهروندان توصیف و تبیین می‌کردند و کارهای فرهنگی به اندازه کافی انجام می‌شد ما با چنین صحنه‌هایی مواجه نبودیم.

عباس سبزواری در این مورد می‌گوید: ممکن است بگویم افراد کمی هستند که مرتکب این رفتار ضداجتماعی می‌شوند و همه نیستند. بسیار خوب اگر تعداد این افراد کم است چرا تعداد کسانی که به آنها تذکر بدهند و واکنش نشان دهند زیاد نیست؟

وی ادامه می‌دهد: فرض کنید تعداد افراد خرابکار کم است چرا تعداد افراد معترضی که واکنش داشته باشند کم است؟ چرا ما اقتدر بی تفاوتیم؟ این خود سؤال است، من فکر می‌کنم اهمیت حفظ و صیانت

بدین وسیله شرکت نوپارس به اطلاع می‌رساند

تعداد ۴برگه پروانه سبز گمرکی به شماره کوتاژهای (۱۶۴۵-۸۰۰۴۰۳۱۷۳۹-۴۰۳۱۷۳۵۴-۴۰۳۱۷۳۴۰) مفقود گشته وفاقد اعتبار می‌باشد

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام شرکت سازمان منطقه ویژه اقتصادی دامغان (سهامی خاص) شماره ثبت ۶۲۸۲ شماره ملی ۱۴۰۰۵۷۵۰۷۵۶۹

بدینوسیله از کلیه سهامداران دعوت می‌شود:
اس ساعت ۱۰ صبح روز سه‌شنبه مورخ یازدهم آذرماه یکپژار و سیصد و نود و نه در آدرس: تهران خیابان شهید بهشتی خیابان احمد قصیر خیابان یازدهم پلاک ۱ واحد۸ حضور به هم رسانند.
دستور جلسه: افزایش سرمایه از محل مطالبات و آورده نقدی سهامداران ۲.سایر موارد که در صلاحیت مجمع باشد.
هیئت مدیره

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت تهیه (سهامی خاص) شماره ثبت ۵۵۱۰ شماره ملی ۱۰۰۳۴۵۱۲۷

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت تهیه یا نمایندگان آنان دعوت می‌شود در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت تهیه که ساعت ۱۱ روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۹/۰۹ در محل دفتر شرکت واقع در خیابان مطهری، نبش خیابان کوکبورد، پلاک ۱ بر گزار می‌گردد، حضور به هم رسانند.
دستور جلسه: ۱-انتخاب اعضای هیأت مدیره ۲.سایر موارد که در صلاحیت این مجمع باشد.

دعوت به مجمع عمومی عادی سالانه صاحبان سهام شرکت تامین مسکن جوانان (سهامی خاص) شماره ثبت:۱۷۴۴۲۲ شماره ملی:۱۰۰۱۷۱۷۲۷۲۷

جلسه مجمع عمومی عادی سالانه صاحبان سهام مربوط به عملکرد سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱ در روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۹/۰۹ رأس ساعت ۱۰ صبح در محل "مرکز همایش‌های بین‌المللی تپاش" واقع در تهران-مسجد آید- بالاتر از میدان کاج-خیابان هم- پلاک ۱۲- مجموعه تپاش تشکیل می‌شود.

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم ویا اولانمایندگان ایشان دعوت می‌شود که برای اخذ تصمیم در مورد موضوعات دستور جلسه در این مجمع شرکت فرمایند.
۱-تفصیلات: گروه و به مجمع به نظر گرفتن ابلاغیه شماره ۴۴۰/۰۵ مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۲۴ در خصوصیت حضور بنابر ا ۱۵ نفر سازمان محترم بورس اوراق بهادار جهت سهامداران الزامی می‌باشد.

۲- کلیه سهامداران محترم دعوت می‌شود به منظور حضور در جلسه با همراه داشتن کارت شناسایی معتبر و تصویر کارت ملی و شناسنامه سهامداران حقیقی و نمایندگان اشخاص حقوقی به دلیل نیاز به اطلاعات هویتی آنان جهت درج در سامانه ثبت شرکتها یا در اسر حقوق مراجعه فرمایند.

دستور جلسه:
۱- تصویب صورت‌های مالی سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۲- انتخاب و تعیین هیات مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۳- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۴- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۵- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۶- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۷- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۸- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۹- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۱۰- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۱۱- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۱۲- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۱۳- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۱۴- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۱۵- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۱۶- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۱۷- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۱۸- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۱۹- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۲۰- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۲۱- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۲۲- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۲۳- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۲۴- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۲۵- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۲۶- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۲۷- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۲۸- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۲۹- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۳۰- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۳۱- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۳۲- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۳۳- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۳۴- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۳۵- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۳۶- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۳۷- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۳۸- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۳۹- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۴۰- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۴۱- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۴۲- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۴۳- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۴۴- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۴۵- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۴۶- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۴۷- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۴۸- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۴۹- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۵۰- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۵۱- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۵۲- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۵۳- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۵۴- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۵۵- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۵۶- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۵۷- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۵۸- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۵۹- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۶۰- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۶۱- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۶۲- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۶۳- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۶۴- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۶۵- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۶۶- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۶۷- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۶۸- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۶۹- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۷۰- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۷۱- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۷۲- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۷۳- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۷۴- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۷۵- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۷۶- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۷۷- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۷۸- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۷۹- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۸۰- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۸۱- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۸۲- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۸۳- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۸۴- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۸۵- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۸۶- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۸۷- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۸۸- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۸۹- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۹۰- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۹۱- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۹۲- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۹۳- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۹۴- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۹۵- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۹۶- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۹۷- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۹۸- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۹۹- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۱۰۰- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۱۰۱- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۱۰۲- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۱۰۳- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۱۰۴- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۱۰۵- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۱۰۶- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۱۰۷- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۱۰۸- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۱۰۹- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۱۱۰- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۱۱۱- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۱۱۲- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۱۱۳- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
۱۱۴- تعیین هیأت مدیره سال مالی منتهی به ۱

سخنی باد کتر علی زینی‌وند

استاندار جدید کرمان



وقتی شاه شجاع مظفری، پسر محمد مظفر میبدی (پای مسجد جامع کرمان) خواست حکومت را به برادرش عبداللّٰه‌بن احمد حاکم‌الدین (پای مسجد پامنار) واگذار کند. (۷۸۶ هـ) طی نامه‌ای به سفارش مردم کرمان پرداخت نوشت: «رعایای کرمان، مردم فقیر و مظلومند و نفوس ایشان تأثیر عجیب دارد، با این‌که به نوعی معاش کن که پدران ما کرده اند، به کرم و عدالت و

مرحمت» (وزیری، ۱۳۵۸: ۵۳۸). البته فقری که شاه شجاع از آن یاد کرده بود، به معنی نداری و بدبختی نیست، زیرا همهٔ مردمِ والاّی مردم تا آنجاست که حتی اگر نداشته باشند، صورت خود را با سیلی سرخ می‌کنند و دست نیاز به سوی کسی نمی‌زنند، بلکه منظور، فقر عرفانی یعنی یکی از مراحل سیر و سلوک (نیاز به خدا و بی نیازی از غیر اوست) دلیلش هم این است که شاه شجاع فوری و به دنبال این جمله می‌نویسد: «نفس مردم کرمان تأثیر عجیبی دارد».

آنها که تأثیر این نفس گرم را باور نکردند، سسر سبزر را بر باد دادند و طومار زندگیشان در هم پیچید، نمونه‌اش نادر که در سفر دوم به کرمان (۱۱۵۴ هـ) پس از کشت و کشتار بسیار و مناره ساختن از سر بی گناهان در محله پامنار کرمان، لیستی تهیه کرد و دستور داد مالیات منظور شده را اخذ کنند و برای او بفرستند و نیز هر کس پرداخت نکرد، سرش را ارسال کنند! خواجه محمد شفیع برودسیری یکی از آنها بود که هر چه داشت فروخت، اما باز هم به مبلغ تعیین شده نرسید، به او گفتند اگر دختر زیبا داری به تاجر ترکمان در بازار کرمان بفروش تا پولت جور شود، او دو دختر خود را برد، اما تاجر ترکمان نگاهي به آنها کرد و چون زیبا نبودند، گفت نمی‌پسند!

در این هنگام اشک‌های محمد شفیع بر گونه‌هایش جاری شد و سر به آسمان برد و گفت: خدایا، تاجر ترکمن نپسندید، تو هم نپسند.

همان شب (۲ جمادی الثانی ۸۱۶۰/۲۸ خرداد ۱۱۶۶) علی قلی خان و یارانش در قوچان او را به قتل رساندند که محدخان قاجار سر او را از تن جدا ساخت، پدالگوئه «که آن تا تاج نشان ماند و نه تاج نشان» (تک، وزیری، ۱۳۵۸: ۶۷۴).

من بر این باورم که پیام شاه شجاع، نه فقط به حاکم بعد از خودش، یعنی برادر او عبداللّٰه‌بن احمد بود، بلکه خطاب به همه حاکمانی است که زمام امور کرمان را به دست می‌گیرند و این فرصت طلایی برایشان فراهم می‌شود.

آری فقر مردم کرمان، همواره زمینه ساز غای این بخش از سرزمین عزیزمان ایران بوده است. بی نیازی مردم کرمان از خلق و توکلشان به خالق، موجب شد تا در کور سوزان، حیات بیابانرنگ و با همان آب اندک قنات، یک چهارم باغ‌های کشور را در این سرزمین سامان دهند، افتخاری که هنوز هم باقی است. فراموش نفرمائید اگرچه کرمان، به اندازه نصف کشور فرانسه وسعت دارد، اما بارش‌های یک دهم آن هم نیست. این مردم، نه سوار ترکمن پشت سر خود داشتند، نه شاشون برایشان رکاب زده، نه مثل ایران شاه شفت و گاه شاز و عروس و زاکرس بوده، نه مثل برخی شهرهای همچوران‌های کوه‌های اطرافش برف چند صد ساله دارد و از دامنه‌هایش عسل جاری است و… آری اینجا هیچکدام از آنها را ندارد، بلکه سرزمینی است که آبش ساکن و خاکش جاری است، اما یک چیز دارد و آن مردمی که شکوه همت و تلاش و اراده آنان سر، به عیوق می‌فرستد.

آقای استادار! درست است که شما سزید خلف «ایلام» یعنی سرزمینی هستنی که در معاینش «ولیمه دادن، مهمانی دادن و…» است اما فراموش نفرمائید، امروز مهمان مردمی هستند که ولیمه دادن‌هایشان نه فقط به دوستان، که به دشمنان و بدخواهانشان شهره تاریخ است. حمله معزالدوله دیلمی در زمان ابوعلی محمد بن الیاس به کرمان (۳۳۰ هـ ق) را مطالعه بفرمائید، تا ببینید که مردم کرمان روزها با مهمانین می‌چنگیدند، ولی شب‌ها که آن‌ان سلام‌خانی را بر زمین می‌گذاشتند برای آنها غذا و هدیه می‌فرستادند. معزالدوله شی حیرت زده از فرستاده‌ای که حامل غذا و هدیه بود، پرسید که چنگ روز با نژاد شلب منافات دارد، توجیه آن چیست؟ در جنگ جنگ چون شما روزها در حال حمله و ستیز هستید با شما می‌چنگیم و از جان و مال خود دفاع می‌کنیم، اما شب هنگام که سلاح بر زمین می‌گذارید، مهمان ما هستید، و وظیفه ما مهمانداری و بسیاری نوازی است. این جواب، چنان تکان دهنده بود که «معزالدوله از این سخن شرمسار شد… و سردار دیالمه با سپاه، راه شیراز پیش گرفت» (تک، وزیری، ۱۳۵۸: ۲۳۳).

بجز این، مردم کرمان حاضر شدند چشم‌های خود را فدا کنند و این سرزمین را چشمتخانه تاریخ سازند، اما مهمان خود را نیازارند. (رویداد طلعی خان زند و آقا محمد خان قاجار).

اینگ، چند نکته اساسی که توجه به آنها ضروری است:

✱ جنبه‌ای در یکی از سخت‌ترین و بحرانی‌ترین برهه‌های تاریخ، پذیرای این مسئولیت شده اند، همه گیری کلب گسیخته کرونا و مرگ روزنه‌ها دهن تفرقه، تحریم‌های دهمشانه‌ای که لباس و کارها را در تنگنا قرار داده، افزایش قیمت‌هایی که بر شانه‌های مردم سنگینی می‌کند، تعطیلی مدارس و سرگردانی پدران و مادران، افسردگی بخش عمده‌ای از جامعه خانه نشین و خود قرنطینه و عدم بروز دلپسنگی که فرزندان و نژدیکان، پریشان حالی صنعت گردشگری و در محاق بودن وضعیت هتل ها و هتلداران، افسردگی اصحاب فرهنگ و هنر بزرزه نوسندگان و ناشران که تقریبا به بن بست رسیده‌اند و بسیاری دیوژه و دشواری‌هایی که در تاریخ کمتر نمونه‌ای برایش سراغ برده‌ایم. در چنین شرایطی، در نیاز مردم در میان است، یکی عزم و اراده‌ی استوار و توان فراوان مدیریتی و دیگری همراهی و همکارزی جامعه. این دوام مردم موجود است و مردم کرمان با برخورداری از تساهل و تسامحی که لازمه زندگی در یک منطقه کویری است، آمادگی لازم را داشته‌اند و دارند. اصولا لقب «دارالامان» به همین انگیزه به کرمان داده شده است، زیرا این مردم آرام و بی ادعا، در کنار هزاران ساله زندگی می‌هر گونه چنگ و نزاع داخلی، در کنار هم می‌زیسته‌اند آنگونه که مسلمانان زرتشتیان را گرمای داشته‌اند و هر دو، با پیودیه‌ها مانوس بوده‌اند، آتشکده برای خود گرمی داشته، کنبسه زمینه عبادت پیودیه‌ها را فراهم ساخته است و در کلیسای شهر نماز عشاء ربانی می‌خواندند و بانگ اذان از گلدسته مساجد هزار ساله، شهر را عطر کنی کرده است، برادران عطیه از سوریه برای تجارت قالی به این‌ها آمدند، نیموی یونانی از این شهر به تولید فرش روی آورد و حتی رئیس شرکت فرش شد و… همه این‌ها نشانه‌هایی از آسان‌گیری مردم کرمان است.

البته حساب معدودی را که «فی قلوبهم مرض» و همواره اهل نق زند هستند، از نظر جامعه باید جدا کرد.

لزوم بهره بردن از اصحاب فرهنگ و اندیشه و خرد

✱ تاریخ نشان داده است هر حاکمی که برای اداره امور، از اصحاب فرهنگ و اندیشه و خرد بهره برده، موفق‌ترین بوده است. اگر در زمان سلسلجیوان کرمان عشور ابریشم کرمان به سی هزار دینار رسید، و ده‌ها اثر مذهبی و فرهنگی از جمله مسجد امام خمینی (ملک) کرمانی به یز هر گونه چنگ و نزاع داخلی، در کنار هم می‌زیسته‌اند آنگونه که مسلمانان زرتشتیان را گرمای داشته‌اند و هر دو، با پیودیه‌ها مانوس بوده‌اند، آتشکده برای خود گرمی داشته، کنبسه زمینه عبادت پیودیه‌ها را فراهم ساخته است و در کلیسای شهر نماز عشاء ربانی می‌خواندند و بانگ اذان از گلدسته مساجد هزار ساله، شهر را عطر کنی کرده است، برادران عطیه از سوریه برای تجارت قالی به این‌ها آمدند، نیموی یونانی از این شهر به تولید فرش روی آورد و حتی رئیس شرکت فرش شد و… همه این‌ها نشانه‌هایی از آسان‌گیری مردم کرمان است.

البته حساب معدودی را که «فی قلوبهم مرض» و همواره اهل نق زند هستند، از نظر جامعه باید جدا کرد.

حش‌ناسی و قدردانی از ویژگی‌های کرمانی‌ها است

✱ حش‌ناسی ویژگی‌ای مردم کرمان، حش‌نسناسی و قدردانی آنجاست، آنگونه که هر کس کوچک‌ترین قدیمی برای آن‌ها برپاشت تا پای جان حمایت از کردند و از هیچ همراهی‌ای از دریغ برخوردار نبود، به عنوان نمونه وقتی سیدابوالحسن نیک‌بارنگیریکی کلبه روزگار زد، نزدیک، آنها را از پرداخت مالیات‌های قانونانی و اجباری که تا آن زمان تحمیل می‌شد، به گریزی از آن بیرون کرد و از وجوهانی که با هم می‌رید، به نیازمندان مساعدت نمود، مردم کرمان مهرش را به دل گرفتند و به او لقب «آقا دادند. (سامتخان کتسولگری واقع در خیابان زریبست، از یادگاره‌های اوست که پیش از این به باغ آقا معروف بود).

بقیه در صفحه ۱۳

کرمان – خبرنگار اطلاعات : معاون

سیاسی وزیر کشور درمراسم تکریم و معارفه استانداران قدیم و جدید کرمان با تأکید بر این که شخصیت شهید سپهبد قاسم سلیمانی به منزله یک چتر بود، افزود: دل‌سوزی نسبت به انسجام و اتحاد داخلی و جلوگیری از شکاف دغدغه بوده است.

جمال عرف سیسپ با اشاره به

انتصاب استانداران جدید کرمان گفت: دکتر علی زینی وند از ۲ ویژگی برجسته ادب و اخلاق برخوردار است و به سوابق اجرایی به وی کمک می کند کارها را دنبال کند.

وی با تشکر از تلاش ها و زحمات



ادای احترام معاون وزیر کشور و استانداران قدیم و جدید کرمان به مقام شامخ سپهبد شهید سلیمانی

دکتر فدائی استاندار سابق کرمان افزود: آقای زینی وند ذهن فعالی دارد و کوشا است، با انگیزه است و امیدواریم ایشان روند فعلی کار را با سرعت و انگیزه بیشتر پیش ببرد.

معاون سیاسی وزیر کشور گفت:

یکی از مهم ترین سیاست های دولت این است که بتواند با ایجاد آرامش، فضای ایـسـجاد کند که امنیت مهیا شود. اقتصاد، امنیت و آرامش اولویت های دولت است تا بتواند کار را دنبال کند.

در ادامه این مراسم امام جمعه و

نماینده ولی فقیه در استان کرمان با بیان این که دکتر محمد جواد فدایی مرد علم و دانشه و اهل منطق بود، افزود: شهادت این مردم که همه جلانی که به وی داشتم مطمئن بوم به استقلال قوی خواهم رسید.

حجت الاسلام والمسلمین علیدادی سلیمانی با بیان این که فدایی تدین و تقوای قابل توجهی داشت و خلداترسی سربلوحه کار او در مدیریت بود، افزود: ایشان کارنامه خوبی در جایگاه استاندار در روزهای سخت به نام خود به ثبت رساند که برایشان آرزوی موفقیت باد.

اخبار شهرستان ها

معاون سیاسی وزیر کشور درمراسم تکریم و معارفه استانداران قدیم و جدید کرمان:

دل‌سوزی نسبت به انسجام و اتحاد داخلی، ویژگی شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی بود

وی با بیان این که مدیریت همراه با اخلاق دکتر فدائی هیچ وقت از ذهن مردم کرمان پاک نخواهد شد، گفت: تبسم همراه او هم از مردان پرتلاش بودند که از همه آنها تشکر می‌کنم.

علیدادی سلیمانی با بیان این که

استاندار جدید کرمان از خطه مردان رشید و شهنشاست است و توفیق رفیق او شد که به استان کرمان بیاید و در اینجا به مردم خدمت کند ادامه داد: در شرایط خاصی که بر کشور حاکم است نیاز به تلاش مضاعف و همراهی و همدلی داریم.

امام جمعه کرمان با بیان این که هر فردی باید به سهم خود برای توسعه استان کمک کند چرا که این نظام ثمره

استانداران قدیم و جدید کرمان به مقام شامخ سپهبد شهید سلیمانی

استاندار کرمان گفت: تجارت خارجی در استان کردن مقوله مهمی است که علاوه بر تقویت تجارت فعلی با کشورهای مختلف، پیوند با استان

سیستان و بلوچستان و بندر استراتژیک چابهار اهمیت ویژه ای دارد و بخشی از اقتصاد کرمان با پیوند یزد و مرز سیستان و بلوچستان قابل حل است که برنامه داریم در ایسین زمینه موضوع را حتما پیگیری کنیم.

وی با تأکید بر این که برنامه بد از بی برنامه‌گی بهتر است و همه دستگاه ها باید برای خود برنامه داشته باشند،افزود: بنای ما تغییرات حداقلی است اما با مدریان کم دانش، بی انگیزه و کم تحرک هیچ تعارفی نداریم.

سرمايه استان باید با تبعيض مثبت،

به سبست مناطق محروم هدايت شود
کــه این کار موجب زندگي پررونق در روستاها می شود و اگر زندگي روستاها پروتق بود، امروز شاهد حاشيه های پرنده سوز و نيل سوز شهرها نيويم

لذا باید به روستاها و مناطق محروم توجه شود .

استاندار کرمان تأکید کرد: فعالیت

معين های اقتصادی اقدام مثبتی است که آقای رزم حسینی(استاندار اسبق کرمان) انجام داد و باید زمينه را فراهم کنیم در محروميت زايی و کارآفرینی اجتماعی کــه مدل موفق در دنیاست، نخيگان نظر بدهند و ما ريسل گذاری کنیم.

خوبی بــا همه ارکان مدیریت، جامعه،

گروه های سياسی و مدیران دانشمند،

و طبيعی است که برخی به نظرشان عمل نشود و قانع نباشند و دلخور شوند.

استاندار سابق کرمان با تأکید بر این

که از کسانــی که می خواهند عملکرد

استان را در این ۲ سال ارزیابی کند،

دنيا به این استان متمرکز است. جوانان و نخيگان این استان رسالت سنگینی در تعريف مکتب سلیمانی دارند. مکتب این شهید، هویت ساز است و به جوانان ما، غرور، انگیزه، تحرک و امیدواری می دهد.

گام های استوار شهید سپهبد سلیمانی در خاورمیانه بر تاپلام، لرزه بر کســی به نام جمهوری پویشانی می انداخت و متابع شخصی خود را به من تحمیل کند زیر بار نمی روم و تکليف ما با کســی که تطایق با جمهوری اسلامی ندارد، روش است.

وی درباره تعامل با رسانه ها

هــم تأکید کرد: مدیران از مواجــه با رسانه ها نترسند؛ البته تخريب فرق می کند و مردم تخريب را می فهمند. رسانه

ها مشاوران می مزد و منت ما هستنداز آنها استفاده کنید و اگر نقد می کنند

شکایتشان را نکنید.

استاندار کرمان گفت: تجارت خارجی در استان کردن مقوله مهمی است که علاوه بر تقویت تجارت فعلی با کشورهای مختلف، پیوند با استان

سیستان و بلوچستان و بندر استراتژیک چابهار اهمیت ویژه ای دارد و بخشی از اقتصاد کرمان با پیوند یزد و مرز سیستان و بلوچستان قابل حل است که برنامه داریم در ایسین زمینه موضوع را حتما پیگیری کنیم.

وی با تأکید بر این که برنامه بد از بی برنامه‌گی بهتر است و همه دستگاه ها باید برای خود برنامه داشته باشند،افزود: بنای ما تغییرات حداقلی است اما با مدریان کم دانش، بی انگیزه و کم تحرک هیچ تعارفی نداریم.

سرمايه استان باید با تبعيض مثبت،

به سبست مناطق محروم هدايت شود
کــه این کار موجب زندگي پررونق در روستاها می شود و اگر زندگي روستاها پروتق بود، امروز شاهد حاشيه های پرنده سوز و نيل سوز شهرها نيويم

لذا باید به روستاها و مناطق محروم توجه شود .

استاندار کرمان تأکید کرد: فعالیت

معين های اقتصادی اقدام مثبتی است که آقای رزم حسینی(استاندار اسبق کرمان) انجام داد و باید زمينه را فراهم کنیم در محروميت زايی و کارآفرینی اجتماعی کــه مدل موفق در دنیاست، نخيگان نظر بدهند و ما ريسل گذاری کنیم.

خوبی بــا همه ارکان مدیریت، جامعه،

گروه های سياسی و مدیران دانشمند،

و طبيعی است که برخی به نظرشان عمل نشود و قانع نباشند و دلخور شوند.

استاندار سابق کرمان با تأکید بر این

که از کسانــی که می خواهند عملکرد

استان را در این ۲ سال ارزیابی کند،

درخواست دارم استقلال انجام شدن با نشــدان کار را ســوال کنند و اگر قانع نشــدند، نظر خود را اعلام کنند و در این صورت نقد متصفانه تر خواهد بود، افزود: وعده ديگر من در جلسه معارفه ام افزايش کارایی سيستم اداری بود که در این باره نخستين اقدام، تکیه بر دولت الکترونیک بود و متعقدن تا زمانی که به طور کامل دولت الکترونیک اجرا نشود، نمی توانيم سيستم کارایی داشته باشيم.

وی ادامه داد: از دستگاه هایی که در

این زمینه فعالیت داشتند تشکر می کنم که یکی از آنها شرکت توزیع برق است که اکنون همه مشــتــرکان شرکت توزیع برق هر گونه خدمات را می توانند از آزادبخیوان خود می فهمند.



مراسم تودیع و معارفه استانداران قدیم و جدید کرمان

طریق سیستــم و بدون مراجعه حضوری دریافت کنند.

فدائی درباره موانع و مشکلات توسعه در استان تأکید کرد: یک مورد

عدم اعتقاد یکــسان به توسعه است و همه به اصول توسعه اعتقاد و باور

یکــسان نداریم و این نیاز به جلسات زیادی برای رسیدن بــه یک دیدگاه

دارد.مــســاله دیگر سیاست زدگی استان است.

موضوع دیگر فرهنگ است که شورای فرهنگ عمومی در این زمینه کار می کند و امیدواریم اتفاقات خوبی بیفتد.

فدائی در پایان درباره استعفايش

از استانداری کرمان گفت: بنده شخصاً قصد و برنامه ای برای استعفا نداشتــم

و معتقد بودم تو جــه به شرایط و مشکلات باید تا پایان دولت بمانيم

و حداقل پروژه های نیمه تمام را بهره برداری کنم اما شرایط به وجود آمد که مصلحت در این دیده شــد بنده

استعفا کنم و بنده استعفا کردم به دلیل این که دو ســه ماهی این مســاله معطل بود، خودم اصرار کردم که این موضوع به پایان برسد و نهایتاً با استعای بنده موافقت شد.

فدائی در پایان درباره استعفايش

از استانداری کرمان گفت: بنده شخصاً قصد و برنامه ای برای استعفا نداشتــم

و معتقد بودم تو جــه به شرایط و مشکلات باید تا پایان دولت بمانيم

و حداقل پروژه های نیمه تمام را بهره برداری کنم اما شرایط به وجود آمد که مصلحت در این دیده شــد بنده

استعفا کنم و بنده استعفا کردم به دلیل این که دو ســه ماهی این مســاله معطل بود، خودم اصرار کردم که این موضوع به پایان برسد و نهایتاً با استعای بنده موافقت شد.

فدائی در پایان درباره استعفايش

از استانداری کرمان گفت: بنده شخصاً قصد و برنامه ای برای استعفا نداشتــم

و معتقد بودم تو جــه به شرایط و مشکلات باید تا پایان دولت بمانيم

و حداقل پروژه های نیمه تمام را بهره برداری کنم اما شرایط به وجود آمد که مصلحت در این دیده شــد بنده

استعفا کنم و بنده استعفا کردم به دلیل این که دو ســه ماهی این مســاله معطل بود، خودم اصرار کردم که این موضوع به پایان برسد و نهایتاً با استعای بنده موافقت شد.

فدائی در پایان درباره استعفايش

از استانداری کرمان گفت: بنده شخصاً قصد و برنامه ای برای استعفا نداشتــم

و معتقد بودم تو جــه به شرایط و مشکلات باید تا پایان دولت بمانيم

و حداقل پروژه های نیمه تمام را بهره برداری کنم اما شرایط به وجود آمد که مصلحت در این دیده شــد بنده

استعفا کنم و بنده استعفا کردم به دلیل این که دو ســه ماهی این مســاله معطل بود، خودم اصرار کردم که این موضوع به پایان برسد و نهایتاً با استعای بنده موافقت شد.

فدائی در پایان درباره استعفايش

از استانداری کرمان گفت: بنده شخصاً قصد و برنامه ای برای استعفا نداشتــم

و معتقد بودم تو جــه به شرایط و مشکلات باید تا پایان دولت بمانيم

و حداقل پروژه های نیمه تمام را بهره برداری کنم اما شرایط به وجود آمد که مصلحت در این دیده شــد بنده

استعفا کنم و بنده استعفا کردم به دلیل این که دو ســه ماهی این مســاله معطل بود، خودم اصرار کردم که این موضوع به پایان برسد و نهایتاً با استعای بنده موافقت شد.

فدائی در پایان درباره استعفايش

از استانداری کرمان گفت: بنده شخصاً قصد و برنامه ای برای استعفا نداشتــم

و معتقد بودم تو جــه به شرایط و مشکلات باید تا پایان دولت بمانيم

و حداقل پروژه های نیمه تمام را بهره برداری کنم اما شرایط به وجود آمد که مصلحت در این دیده شــد بنده

استعفا کنم و بنده استعفا کردم به دلیل این که دو ســه ماهی این مســاله معطل بود، خودم اصرار کردم که این موضوع به پایان برسد و نهایتاً با استعای بنده موافقت شد.

فدائی در پایان درباره استعفايش

از استانداری کرمان گفت: بنده شخصاً قصد و برنامه ای برای استعفا نداشتــم

و معتقد بودم تو جــه به شرایط و مشکلات باید تا پایان دولت بمانيم

و حداقل پروژه های نیمه تمام را بهره برداری کنم اما شرایط به وجود آمد که مصلحت در این دیده شــد بنده

استعفا کنم و بنده استعفا کردم به دلیل این که دو ســه ماهی این مســاله معطل بود، خودم اصرار کردم که این موضوع به پایان برسد و نهایتاً با استعای بنده موافقت شد.

فدائی در پایان درباره استعفايش

از استانداری کرمان گفت: بنده شخصاً قصد و برنامه ای برای استعفا نداشتــم

و معتقد بودم تو جــه به شرایط و مشکلات باید تا پایان دولت بمانيم

و حداقل پروژه های نیمه تمام را بهره برداری کنم اما شرایط به وجود آمد که مصلحت در این دیده شــد بنده

استعفا کنم و بنده استعفا کردم به دلیل این که دو ســه ماهی این مســاله معطل بود، خودم اصرار کردم که این موضوع به پایان برسد و نهایتاً با استعای بنده موافقت شد.

فدائی در پایان درباره استعفايش

از استانداری کرمان گفت: بنده شخصاً قصد و برنامه ای برای استعفا نداشتــم

و معتقد بودم تو جــه به شرایط و مشکلات باید تا پایان دولت بمانيم

و حداقل پروژه های نیمه تمام را بهره برداری کنم اما شرایط به وجود آمد که مصلحت در این دیده شــد بنده

استعفا کنم و بنده استعفا کردم به دلیل این که دو ســه ماهی این مســاله معطل بود، خودم اصرار کردم که این موضوع به پایان برسد و نهایتاً با استعای بنده موافقت شد.

فدائی در پایان درباره استعفايش

از استانداری کرمان گفت: بنده شخصاً قصد و برنامه ای برای استعفا نداشتــم

و معتقد بودم تو جــه به شرایط و مشکلات باید تا پایان دولت بمانيم

و حداقل پروژه های نیمه تمام را بهره برداری کنم اما شرایط به وجود آمد که مصلحت در این دیده شــد بنده

استعفا کنم و بنده استعفا کردم به دلیل این که دو ســه ماهی این مســاله معطل بود، خودم اصرار کردم که این موضوع به پایان برسد و نهایتاً با استعای بنده موافقت شد.

فدائی در پایان درباره استعفايش

از استانداری کرمان گفت: بنده شخصاً قصد و برنامه ای برای استعفا نداشتــم

و معتقد بودم تو جــه به شرایط و مشکلات باید تا پایان دولت بمانيم

و حداقل پروژه های نیمه تمام را بهره برداری کنم اما شرایط به وجود آمد که مصلحت در این دیده شــد بنده

استعفا کنم و بنده استعفا کردم به دلیل این که دو ســه ماهی این مســاله معطل بود، خودم اصرار کردم که این موضوع به پایان برسد و نهایتاً با استعای بنده موافقت شد.

فدائی در پایان درباره استعفايش

از استانداری کرمان گفت: بنده شخصاً قصد و برنامه ای برای استعفا نداشتــم

و معتقد بودم تو جــه به شرایط و مشکلات باید تا پایان دولت بمانيم

و حداقل پروژه های نیمه تمام را بهره برداری کنم اما شرایط به وجود آمد که مصلحت در این دیده شــد بنده

استعفا کنم و بنده استعفا کردم به دلیل این که دو ســه ماهی این مســاله معطل بود، خودم اصرار کردم که این موضوع به پایان برسد و نهایتاً با استعای بنده موافقت شد.

فدائی در پایان درباره استعفايش

از استانداری کرمان گفت: بنده شخصاً قصد و برنامه ای برای استعفا نداشتــم

و معتقد بودم تو جــه به شرایط و مشکلات باید تا پایان دولت بمانيم

و حداقل پروژه های نیمه تمام را بهره برداری کنم اما شرایط به وجود آمد که مصلحت در این دیده شــد بنده

استعفا کنم و بنده استعفا کردم به دلیل این که دو ســه ماهی این مســاله معطل بود، خودم اصرار کردم که این موضوع به پایان برسد و نهایتاً با استعای بنده موافقت شد.

فدائی در پایان درباره استعفايش

از استانداری کرمان گفت: بنده شخصاً قصد و برنامه ای برای استعفا نداشتــم

و معتقد بودم تو جــه به شرایط و مشکلات باید تا پایان دولت بمانيم

و حداقل پروژه های نیمه تمام را بهره برداری کنم اما شرایط به وجود آمد که مصلحت در این دیده شــد بنده

استعفا کنم و بنده استعفا کردم به دلیل این که دو ســه ماهی این مســاله معطل بود، خودم اصرار کردم که این موضوع به پایان برسد و نهایتاً با استعای بنده موافقت شد.

فدائی در پایان درباره استعفايش

از استانداری کرمان گفت: بنده شخصاً قصد و برنامه ای برای استعفا نداشتــم

و معتقد بودم تو جــه به شرایط و مشکلات باید تا پایان دولت بمانيم



۲۶۵
شماره اجتماعی روزنامه اطلاعات
دو هفته ۲۶ آبان ۱۳۹۹ - سال شصت و پنجم شماره ۲۷۷۰۲



رنگ‌ها و فرهنگ‌ها



رنگ‌ها خاطر هانگیزند

زیرگذر اینترنت

میدان مشق



ارمغان زمان فشمی

عشق می تواند زرد باشد!

زمانی زن عاشقی در تهران زندگی می کرد که صبح تا شب با لباس های قرمز در میدان فردوسی می چرخید. می گفتند عاشق مردی بوده و با او قرار گذاشته که با لباس های قرمز به دیدنش بیاید. مرد هرگز نیامد و او سال ها سرتاپا قرمز پوشید و سر قرار رفت؛ جوری که در تهران تبدیل شد به نماد عشق.

یکی از اهالی آن محله پادشاه هست روزی را که زن قرمزپوش از دنیا رفت و مأموران شهرداری پیکرش را بردند. ظاهراً در این دنیای بزرگ تنهایی تنهایی بود. اما عشق را با همان رنگ قرمز زنده نگه داشت، مثل رنگ خون، مثل رنگ قلب.

سرخ لابد رنگ قشنگی است، نه به خاطر کسانی که طرفدار یک تیم فوتبال هستند، بلکه به خاطر حالی که در آدم به وجود می آورد. وقتی کسی خوشحال باشد، حمام خوبی کرده باشد عاشق باشد صورتش گل می اندازد. شاید برای همین است که فکر می کنیم آدم های خوشحال و خوشبخت باید صورتشان گل انداخته باشد. وقتی گل از گل آدم بشکفت، لابد خوشبختی هم گل رنگ است. همین است که وقتی چهارشنبه سوری می رسد و از روی آتش می پریم، به آن می گوئیم سرخی تو از من، زردی من از تو. دلمان سرخی می خواهد و در قبالت زردی را می دهیم.

پس زرد باید رنگ بدی باشد، وقتی مریض و رنگ پریده ایم، پوستمان زرد می شود. اصلاً «زردی» خودش اسم یک مریضی است. از قدیم هم می گفتند گل زرد، معنای تنفر دارد و نباید آن را به کسی که دوستش داریم هدیه بدهیم.

کسی که نخستین بار عشق و شادی و خوشبختی را با رنگ قرمز توصیف کرد، باید آدم خوشبختی بوده باشد. لابد به آرزوهای رسیده و از خوشحالی خون به صورتش دویده است. ولی من فکر می کنم همه چیز می توانست جور دیگری باشد.

عشق می توانست زرد باشد، مثل گرم ترین و درخشانترین حالت خورشید. چه چیزی بهتر از عشق می تواند قلب آدم را گرم و درخشان کند؟ حتی کسی هم که به عشقش نرسد، پریده رنگ و زار و نزار است. رنگش زرد می شود. عشق و تعهد می توانست زرد باشد، به رنگ حلقه ازدواج! برعکس رنگ قرمز که می تواند به عنوان علامت شیطان و هوس و خیانت در نظر گرفته شود.

اگر خوشبختی را با رنگ زرد می شناختیم، لابد وقتی عاشقی می شدیم، حس می کردیم در قلمبان، گل های آفتاب گردان شکوفا شده اند. در روز عشق به جای خرس های قرمز، به همدیگر قناری های زردی هدیه می دادیم که اگر شکمشان را فشار می دادی، آواز می خواندند و می گفتند «دوست دارم».

اصلاً وقتی خیلی ها سعی کنند با سیلی صورتشان را سرخ نگه دارند، سرخ چطور می تواند رنگ خوشبختی باشد؟ سرخی صورت می تواند نشانه سیلی خوردن باشد، نه خوشبختی. اگر زردی نشانه برقان است، سرخی هم می تواند نشانه فشار خون بالا باشد!

می بینید؟ به همین راحتی همه تعریف ها از رنگ ها می توانست جور دیگری باشد.

ضمیمه جامعه روزنامه اطلاعات هر دوشنبه منتشر می شود. از مطالب، پیشنهادها و انتقادات شما استقبال می کنیم.

Email:jameettelaat@gmail.com

تلفن: ۲۹۹۹۳۲۱۰

رنگ ها خاطر هانگیزند. در روزهای دربی، خیلی از خرده فروشان با طراحی و ارائه پرچم و کلاه و تی شرت و محصولات رنگی دیگر، از جنگ قرمز و آبی، نان درمی آورند. در روزهای پیش از انتخابات، طرفداران هر کاندیدا با رنگ منسوب به نامزد مورد نظرشان به مصاف همدیگر می روند.

عشاق در انتخاب رنگ گل و هدیه برای معشوقشان دقت می کنند. مجریان تلویزیون برای بینندگان برنامه خود روزهای آبی و شب های پرتقالی آرزو می کنند.

صاحبان فست فودی ها برای افزایش اشتیهای مشتریان شان از رنگ نارنجی در فضای رستوران بهره می برند و دیوارهای بیمارستان ها برای آرامش بخشیدن به بیماران به رنگ های سبز و آبی درمی آید.

هر رنگ، موجی از عطر و طعم بخود می آورد و معنا و ویژگی خاصی دارد. کاربران در فضای مجازی به بخشی از این معناها و ویژگی ها اشاره کرده اند.

«مصباح» نوشته: «قبلاً با دیدن جدول قرمز رنگ بورس خیلی حرص می خوردم و اعصابم خرد می شد ولی چندوقت است که نسبت به این قضیه بی تفاوت شده ام. فکر کنم دیگر در مقابل وضعیت اقتصاد و افزایش لحظه ای قیمت ها و کاهش ارزش پول ملی سر شده ام، شما چطور؟»

«موزان» نوشته: «در فرهنگ آسیای شرق، به خصوص در ژاپن و چین، رنگ آبی و سبز را تقریباً یک رنگ می دانند، در واقع می گویند رنگ سبز سایه ای از رنگ آبی است.»

داستان یک عکس

ابوالفضل جلیلی*

خانم خبرنگاری بود که در روزنامه «اومانیته» پاریس کار می کرد. این خانم خبرنگار، هر جای دنیا که مرا می دید می گفت یک مصاحبه لطفاً! بعد هم با دوربین کوچکی که داشت به زحمت یک عکس می گرفت. یک بار در جشنواره «تسالونیک» یونان گفتم این عکس را بگیرد، هر وقت لازم داشتید چاپ کنید. او هم در همان حال از من یک عکس گرفت.

مدتی بعد، در پاریس داشتم باعجله می رفتم به یک شرکت فیلم سازی. از جلوی دکه روزنامه فروشی محل که رد شدم، جوان فروشنده با هیجان گفت: «موسیو جلیلی، صفحه اول روزنامه عکست چاپ شده!» گفتم: «ممنونم، یک دانه برایم نگه دار، عصر می آیم می گیرم.»

به شرکت که رسیدم مدیر گفت باید خیلی سریع بروی

آمریکا، فستیوال ساندنس، فیلم رقص خاک را خواسته. دعوتنامه را هم داد دستم. حال و هوای سفر نداشتم، آن هم آمریکا که هشت ساعت پرواز بود. ولی رفتم جلوی سفارت. یک کیلومتر صف بود. ایستادم و غر زدم تا بالاخره نوبتم رسید.

خانمی که پشت شیشه بخش ویزا بود بدون این که نگاهم کند گفت پاسپورت لطفاً. دادم. بلافاصله گفت: «ایران؟ نمی شه!»

چرا خانوم؟ من کارگردانم، فیلمم در فستیوال ساندنس پذیرفته شده، باید برم. گفت: «دروغ می گید.»

دعوتنامه دارم، با دست خط رابرت ردفورد، رئیس جشنواره.

نشانش دادم. گفت: «باور نمی کنم. اگه به ایرانی ها بگی سند کاخ سفید بیاورد،

مبارن، درست عین اصل سند. اما تقلیه. ایرانیا همشون دروغگو!»



گفتم: «خانوم می شه یه لحظه به من نگاه کنید؟» گفت خیر، لطفاً تشریف ببرید.

یک دفعه یاد روزنامه اومانیته صبح افتادم. گفت اگر آن را بیاوری قبول می کنیم.

خانم تا من برگردم شما تعطیل شده اید.

یک کارت امضا کرد و گفت وقتی آوردی زنگ

بزن بگو کریستین.

زدم بیرون و پریدم توی مترو. سه خیابان را دویدم.

یک کوچه میان بر زدم تا رسیدم به دکه. روزنامه فروشی

گفت خب همان نزدیکی سفارت می خریدی! راست

می گفت، قاطی کرده بودم.

خیس عرق همان راه را برگشتم. سفارت تعطیل

شده بود. زنگ زدم.

بفرمایید؟

کارت را گرفتم جلوی دوربین، در باز شد. رفتم تو.

وسط سه درجه دار و یک افسر محافظ سفارت منتظر

ایستادم. افسرشان به روزنامه اشاره کرد. آن را نشان دادم. با تعجب پرسید تویی؟

گفتم بله.

تا کریستین بیاید چند عکس یادگاری گرفتیم. بعد راهنمایی ام کردند جلوی

همان باجه ویزا. همه رفته بودند. خانم کریستین از پشت شیشه روزنامه را گرفت،

نگاه کرد و با پاسپورت تطابق داد. بعد پرسید چه مدت ویزا نیاز دارید؟ گفتم هیچی.

گفت یعنی چه؟ گفتم یعنی که دیگر ویزا نمی خواهیم. پرسید پس برای چه این همه

تلاش کردی؟ جواب دادم: «برای این که بگم همه ایرانی ها دروغگو نیستن.»

این بار نگاهم کرد و با احترام از جا بلند شد. و من سفارت را ترک کردم.

* کارگردان

منبع: صفحه اینستاگرام آقای جلیلی

تماشاخانه



● انتخاب نوع رنگ در نقاشی کودکان، نشان از شخصیت و دغدغه های

فکری شان دارد. برای همین، روان شناسان برای بررسی وضعیت روحی

کودکان، نقاشی های آن ها را تحلیل می کنند.

هنرمندانی وجود دارند که نقاشی های کودکان را با ساخت آن ها به

واقعیت درمی آورند.



زردهایی خود قمرز نشندند...



● مرضیه سلیمانی

همیشه فکر می کردم مادرم جواب همه سؤالات را می داند و کاری نیست که بلد نباشد. اواخر تابستان، وقتی بادهای پاییزی اعلام وجود می کردند و دم غروب از سرما مورموران می شد، این تصور در من قوت می گرفت. یک هفته ای مانده به مهرماه، مادر به سراغ لباس های رنگ و وارنگ صندوق می رفت. چندتایی را که رنگ و روخته تر بودند، بینشان انتخاب می کرد و گوشه حیاط می گذاشت. بعد لباس های خواهر و برادرهایم را که با هنرمندی تعمیرشان کرده بود تا به نفر بعدی برسد را هم کنار آن ها می گذاشت. من از ابتدا تا انتهای مراسم را حفظ بودم اما اجرای آن هر بار برایم تازگی داشت و هیچ وقت از بهت و حیرتم کم نمی شد. نقطه شروع مراسم به روز قبل برمی گشت که به اتفاق مادرم به عطاری حکیم طیبی می رفتیم و مادرم مثل یک هنرمند توانا، با صبر و حوصله چند رنگ گیاهی انتخاب می کرد. بعد حکیم آن ها را در کاغذ می ریخت، با نخ قند می بست و به دست مادرم می داد. از این جا به بعد، دنیا به کام من بود. فقط کافی بود که یک شب پریه جان را سپری کنم تا صاحب لباس هایی شوم که رنگشان را خودم انتخاب می کردم.

روز موعود، مادرم چراغ پریموس و کپسول گاز را به حیاط می آورد. چند قابلمه و دیگچه کوچک و بزرگ را پر از آب می کرد و رنگ های رویایی را درون آن ها می ریخت. و وقتی که آب می جوشید، لباس های آماده را ارائه دیگ ها می کرد. انتخاب من همیشه زرد بود. دلم می خواست تمام لباس هایم زرد باشند. اما هر چه اصرار می کردم، مادرم می گفت: «اگه همه رخت و لباست یک رنگ باشه، دلت رو غم می گیره. باید از همه رنگی یک لباس داشته باشی.»

یکبار بعد از التماس و التجای فراوان، وقتی دیدم راه به جایی نمی برم، در یک موقعیت استثنایی دویدم و کتانی های سفیدم را در رنگ زرد انداختم. نتیجه کار هم آن قدر خوب بود که تا سال ها، حتی وقتی کتانی ها برایم کوچک شده بود و پایم را می زد، همچنان آن ها را به پا می کردم و بهشان می نازیدم.

در تمام طول آن سال ها جز یکی دو بار، خبری از رنگ مشکی نبود، آن هم یا برای پررنگ کردن چادر مشکی مادر بزرگ بود یا برای سیاه تر کردن لباس کار پدر. من از چندروز قبل، نقشه هایم را می کشیدم و لباس هایم را آماده می کردم. همه در حیاط جمع می شدیم. مادر بزرگ بساط چای را علم می کرد و ما تا می توانستیم با رنگ ها جولان می دادیم. سر و رویمان، دست و پایمان، لباس هایمان غرق در رنگ می شد و آخر سر تازه نوبت خرگوش ها و جوجه ها یا برة زبان بسته مان بود که یکی یکی بزکشان می کردیم. وقتی مراسم رنگ آمیزی تمام می شد، طناب های بلندی در سرتاسر حیاط، از این گوشه تا آن گوشه می کشیدیم و لباس های رنگ شده را روی آن ها پهن می کردیم. به این جای کار که می رسیدیم، من با اشتیاق و هیجان، راهی پشت بام می شدم تا از آن بالا بازی رنگ ها را دل سیر تماشا کنم. باد تا لباس های رنگی می پیچید و همزمان، جویبار های کوچک رنگی از راه آب به جوی سرکوچه جاری می شد. این پایان مراسم بود و به آن لحظه می دانستیم که تا شروع مدرسه چندروزی بیشتر نمانده و به زودی لباس های زیبایم را بر تن می کنم.

آن سال، من خوشحال تر از همیشه بودم، اما نه به خاطر این که قرار بود دوران راهنمایی را شروع کنم، بلکه به این دلیل که بالاخره با خواهر بزرگم به یک مدرسه می رفتم. از قبل با دوستان خواهرم دوست بودم. کتاب ها و لباس هایم آماده بود. دلپره نداشتم و از روی تعریف های خواهرم، انگار تمام زیر و بم مدرسه را حفظ بودم. صبح اولین روز سال تحصیلی، در سوز شدید پاییزی راه افتادیم. مسیر سربالایی بود و طولانی. من با هزار امید و آرزو پولپور زردم را روی سارافون سورمه ای به تن کرده بودم و با کتانی های زردی که هر سال رنگشان می کردم، اعتماد به نفسم دوچندان شده بود. انگار جهان به کامم بود. راه نمی رفتم، پرواز می کردم و با نیم نگاه های جوانان محل پر و بال می رفتم.

درب بزرگ مدرسه چهار تاق باز بود. خبری از گل و اسپند یا مراسم

خاص دیگری هم نبود. بود که هر دانش آموز را چند تا از سرو وضع و پوشش او من که رسید، اول نُج بُندی قد و قواره دست کمی از خودش یکی هم به کفشم. گفت: «چه آخر سر هم حکم کرد که خلاص بشوم.



ترسیده و شرمنده، به خواهرم و دوستانش نگاه کردم و با اشاره او سریع پولپور را از تن کندم. اما خانم ناظم زل زده بود به کفش هایم. تا خواهرم آمد و وساطت کند، ناظم گفت: «این جور می نمی شه. می روی خونه کفشاتو عوض می کنی، برمی گردی.» بعد سرایدار مدرسه را صدا کرد که در رفت و برگشت همراهی ام کند. خواهرم محکم دستم را گرفت و به اتفاق سرایدار، راهی شدیم.

زنگ خانه را که زدیم، مادرم در را باز کرد. چند لحظه ای مات مات نگاهمان کرد و ما را پرسید. من فرار کردم و در انباری که انتهای حیاط بود، پنهان شدم. نمی دانم چقدر طول کشید اما بالاخره مادرم به سراغم آمد. گفت تا وقتی من نگفته ام، به آن مدرسه بر نمی گردید. بعد هول هولکی حاضر شد و راه افتاد. شب بعد از شام ما را برای پدر و برادرانم تعریف کرد و گفت: «مثل این که قانون جدید. گفتن فقط سورمه ای و سفید.»

فردای آن روز پدرم در خانه ماند. دست من و خواهرم را گرفت و به بازار برد و برایمان خرید کرد. روز سوم با لباس های نو و دورنگ به مدرسه رفتیم. بچه ها دور همان کرده بودند و ورنده مان می کردند. اما من با وجود کاپشن سورمه ای کلفتی که به تن داشتم، سردم بود. انگار دلم پیش کتانی و پولپورم بود. انگار فقط با آن ها گرم می شدم.

این آخرین مراسم رنگرزی در خانه ما بود. البته برنامه مطابق هرسال اجرا می شد اما از آن همه رنگ خبری نبود. هر چه بود، تیرگی بود و سیاهی. در سال های دبیرستان، مادرم تک و تنها پای دیگ بزرگی می ایستاد که رنگ سیاه غلیظ در آن می جوشید. تمام لباس هایمان و هر چه کیف و کفش داشتیم، سیاه شد.

هم کلاسی هایم با هزار ترفندی کوشیدند در سیاهی لباس هایشان زیبا باشند و بدرخشند. اما تلاش هایشان به جایی نمی رسید و این را از کتانی های

سفیدی که دزدکی به مدرسه می آوردند یا جوراب های رنگی که زیر جوراب سیاهشان می پوشیدند، می شد فهمید. وضع به همین منوال ادامه داشت تا این که یک روز در میانه شوخی و خنده، قرار احمقانه ای گذاشتیم و آن این که شنبه بعد، هر هفت نفر هم کلاسی با لباس های رنگی به مدرسه بیاییم. عواقبش را البته می دانستیم، اما وسواس خناس در دلمان جا خوش کرده بود و انگار می خواستیم دامن را از ناظم بدعق مدرسه بگیریم.

بچه های دیگر را نمی دانم اما من از چندروز قبل در تهیه و تدارک بودم. یک جور اشتیاق همراه با شیطنت مرا به جلو هل می داد. برای خودم سناریوهای مختلفی چیدم و احتمالات را بررسی کردم. به خانواده ام چه بگویم؟ با نگاه کنجکاو همسایه ها در آن کله صبحی چه کار کنم و دست آخر، جواب ناظم ها را چه بدهم؟ جمعه شب، قبل از خواب، آسمان و ریسمان را به هم باقتم و به مادرم و بقیه اعلام کردم فردا تمرین تئاتر داریم و قرار شده با لباس های سر صحنه به آموزش و پرورش منطقه برویم. نمی دانم حرفم را باور کردند یا نه، هر چه بود، پاسخشان سکوت محض بود.

صبح شنبه بدون هیچ دلپره ای زودتر از همیشه بیدار شدم. لباس هایم را پوشیدم و راهی شدم اما انگار آن روز همه ناظم بودند. هر کسی بلند بلند یا زیر لب چیزی می گفت و ایرادی می گرفت. به مدرسه که رسیدم، مثل همیشه مسئول امور تربیتی و خانم ناظم دم در بودند تا بچه ها را چک کنند. قبل از آن ها بچه ها مرا دیدند و این را از سوت های ممتد و دست زدن های پریه جانان فهمیدم. من هم کم نگذاشته بودم و یک شتر-گاو-پلنگ تمام عیار از خودم ساخته بودم. ناظم مدرسه انگار هول شده بود. اولش گفت برو بیرون، بعد که دید من پیشاپیش بیرون هستم، گفت بیا تو. بعد مرا مثل یک عروسک نمایشگاهی در راهروی ورودی نشان داد و وقتی بچه ها رفتند سر کلاس، تکلیفم را روشن کند. در همین حیص و بیص، هم کلاسی هایم را دیدم که با همان لباس های همیشگی به مدرسه آمده و با نگاه های تحسین آمیز به من زل زده بودند. آن روز مدیر در مدرسه حضور نداشت. او خانم جوان و مهربانی بود که بعدها در همان دانشکده ای که من درس می خواندم، در مقطع فوق لیسانس قبول شد و اگر آن روز در مدرسه بود، احتمالاً قضیه ختم به خیر می شد.

من سرخوش و خندان در راهروی مدرسه روی یک نیمکت نشسته بودم. ناظممان بعد از چند بار رفت و آمد گفت چون شاگرد اول کلاس هستی، اخراجت نمی کنیم. بعد سرایدار مدرسه و همسرش را صدا کرد تا سر و شکل مرا درست کنند. نتیجه، دلکمی بود با کفش های سیاه گشاد و مانتوی گشادتر از آن که تا روی قوزک پایم می آمد. روسری مشکی بلند که دور تادور گردنم پیچیده شده بود و کتاب ها و وسایلی که در کیسه پلاستیکی سیاه جا داده بودم.

همه این ها یک طرف، خانم سرایدار وقتی دید کاپشن لی ام را درآورده ام و از سرما می لرزم، رختخواب های خانه اش را به هم ریخت و از زیر آن، پولپور زرد چروکیده ای درآورد و به دستم داد. انگار دنیا را به من داده بود. سریع آن را به تن کشیدم و راهی کلاس شدم. ظهر وقتی مدرسه تعطیل شد و من لباس های خود را پوشیدم که به خانه بروم، بچه ها مثل یک قهرمان همراهی ام کردند. اما من چندان خوشحال نبودم. انگار جای یک چیزی ته دلم خالی بود.

سال ها گذشت و من هر بار که قصد خرید رخت و لباس داشتم، با تردید و بیم و امید برای انتخاب رنگ با خودم کلنجار می رفتم. وضع به قراری بود که خانواده ام هم می دانستند خرید کردن، به جای آن که خوشحالم کند، مضطربم می کند. خودم هم این موضوع را پذیرفته بودم. تا این که یکی دو ماه پیش، وقتی به مناسبت روز تولدم جشنی یک نفره برپا کرده بودم، ناگهان زنگ خانه به صدا درآمد. خواهرم و فرزندان، دخترم و همسرم با سر و صدا و خنده و شادی و البته هدیه های رنگارنگ وارد شدند. اما چشم من فقط پولپور زردی را می دید که خواهرم برایم خریده بود....

* عنوان مطلب برگرفته از شعری است از نیما یوشیج:

زردهایی خود قمرز نشندند

قمرزی رنگ نینداخته است، بی خودی بر دیوار.



رنگ‌ها و فرهنگ‌ها

• زمرد زرکش

انسان‌ها و رنگ‌ها زیرمجموعه‌ای از نظام جهانند که مدام با یکدیگر در تعامل هستند. رنگ‌ها از مهم‌ترین عناصر دیداری به حساب می‌آیند، در برانگیختن احساسات از جمله غم، شادی، خشم و آرامش مؤثرند و به‌خاطر کاربرد مؤثرشان حتی در درمان بیماری‌ها استفاده می‌شوند.

رنگ‌ها و ارزش‌های اجتماعی

دکتر سلمان قادری، جامعه‌شناس و مددکار، می‌گوید: رنگ یک ویژگی اجتماعی است اما هنوز به ارزش آن از دیدگاه جامعه‌شناسی پرداخته نشده است. تحقیقات موجود بیانگر این است که تئوری جامعه‌شناسی رنگ‌ها در رشته جامعه‌شناسی فرهنگی از نحوه درک مردم از این پدیده شکل می‌گیرد و بر همین اساس در هر جامعه و فرهنگی از یک رنگ خاص به‌عنوان نماد استفاده می‌شود. هر رنگ، بازتاب ارزش‌ها، هنجارهای فرهنگی و اجتماعی و آرزوها و اهداف یک جامعه است و انتخاب نوع رنگ، می‌تواند این ارزش‌ها و هنجارها را نشان بدهد. برای مثال در جوامع اسلامی، سبز رنگ مقدسی به‌شمار می‌رود و در جوامع کمونیست، رنگ قرمز از قداست برخوردار است. در بسیاری از فرهنگ‌ها مانند کشورهای که دین اسلام یا مسیحیت دارند، رنگ سیاه نشانه سوگواری است، در حالی که بین پیروان آیین‌های هندو و کنفوسیوس، رنگ سفید نشانه عزاداری به‌شمار می‌رود که به فرهنگ و فلسفه بعد از مرگ ارتباط دارد.

بنابراین رنگ‌ها بازتاب‌دهنده ارزش‌های هر جامعه هستند. البته این ارزش‌ها در گذر زمان می‌توانند به‌مرور تغییر کنند و با توجه به شرایط و مقتضیات جامعه عوض شوند.

وی می‌افزاید: اقشار مختلف استفاده‌های متفاوتی از رنگ‌ها می‌کنند. برای مثال افرادی که در زمینه موسیقی فعال هستند از تنوع رنگ بیشتری بهره می‌برند یا طبقات بالای جامعه از رنگ‌های بیش‌تری استفاده می‌کنند و در میان طبقه متوسط و پایین یا طبقات مذهبی، رنگ‌های تیره و خنثی پرکاربردتر هستند، پس تنوع رنگ به بیش مردم و سبک زندگی آن‌ها مرتبط است. در جوامع آزاد و توسعه‌یافته، مردم حق بیشتری در استفاده از رنگ‌ها نسبت به جوامع فقیرتر و محدودتر برای خود قائلند.

رنگ‌ها بازتاب‌دهنده نگرش معناداری هستند و نحوه استفاده کردن از آن‌ها می‌تواند واکنش‌های مختلفی در پی داشته باشد؛ مثلاً در ایران می‌بینیم که افراد سوگوار از رنگ‌های شاد استفاده نمی‌کنند و شخصی که رنگ شاد بپوشد از عزاداری طرد می‌شود و نگاه مردم به او تغییر می‌کند. به همین ترتیب در مدرسه بر اساس ارزش اجتماع، دانش‌آموزان حق انتخاب رنگ دلخواه یا درخواست رنگ‌های شاد را ندارند و اغلب از رنگ‌های خنثی برای روپوش مدارس استفاده می‌شود.

اما هرچه زمان پیش می‌رود و نقش رسانه‌های اجتماعی گسترش پیدا می‌کند و توجه به حقوق انسان‌ها بیش‌تر می‌شود، مردم به‌ویژه جوانان، استفاده بیش‌تر از رنگ‌های شاد را حق خودشان می‌دانند و گرایش به رنگ‌های موردعلاقه و شاد در پوشش و دکوراسیون، متناسب با سن می‌شود.

مسلمانان خانه‌ای که تنوع رنگ و وجود داشته باشد، میزان شادی افراد خانواده بیش‌تر است. تنوع رنگ می‌تواند در روحیه افراد تأثیر بگذارد. کسانی که از رنگ‌های خنثی یا سیاه یا آبی استفاده می‌کنند به‌میزان بیش‌تری نسبت به کسانی که از رنگ‌های متنوع استفاده می‌کنند، دچار افسردگی می‌شوند. استفاده از رنگ‌های متنوع می‌تواند میزان شادی و نشاط را در بین خانواده و جامعه افزایش دهد. بنابراین خوب است به جای این که یک جامعه سیاه یا سفید باشد، یک جامعه رنگی داشته باشیم؛ جامعه‌ای که تنوع رنگ را بپذیرد و توان پذیرش تنوع ایده‌ها و نظرات مختلف را داشته باشد. جامعه‌ای که تنوع را بپذیرد، نه تنها تنوع رنگ بلکه تنوع ایده‌ها و نظرات مختلف را خواهد پذیرفت؛ جامعه‌ای که همه در انتخاب‌های خود آزادند.

جامعه باید خودش را با شرایط موجود سازگار کند و شرایط و اقتضائات خاص نوجوان‌ها و جوان‌ها را در نظر بگیرد. شاید تا دهه ۴۰ و ۵۰ عموماً رنگ‌های خنثی خیلی طرفدار داشت و پذیرفته شده بود. در دهه ۶۰ هم انقلاب و جنگ و شرایط آن زمان بر محدود بودن رنگ‌ها تأثیر گذاشته بود و رنگ‌های سفید، سیاه، خاکستری یا طوسی بین مردم رواج داشت. در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ با توسعه جوامع و فعالیت رسانه‌ها، مردم به استفاده از رنگ‌های شاد اما پذیرفته‌شده روی آوردند. جوانان می‌خواهند از رنگ‌های متنوع استفاده کنند و این تنوع رنگ‌ها کمک می‌کند که بتوانند لحظات شادتر و زندگی اجتماعی پر نشاط‌تری داشته باشند، بنابراین لازم است در حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی به این مسأله پرداخته شود.

رنگ، همان‌طور که بازتاب‌دهنده ارزش‌های اجتماعی است، می‌تواند بر ذهنیت و نگرش افراد تأثیر بگذارد و در کاهش افسردگی و افزایش نشاط،

نقش داشته باشد. زمانی که پارکی تنوع رنگ دارد، زیباتر و بانشاط‌تر است تا وقتی که فقط یک‌دست سبز باشد. یک باغچه رنگارنگ بیش‌تر باعث لذت افراد می‌شود تا یک باغچه که فقط چمن است. به همین صورت در جامعه باید از تنوع رنگ‌ها، مغازه‌ها، خیابان‌ها و حتی وسایل حمل و نقل استفاده کرد و به افراد حال بهتری هدیه داد تا با وجود مسایل و مشکلات، زمانی که از خانه یا محل کار بیرون می‌آیند، رنگ و شادی را ببینند و روحیه‌شان بهتر شود.

تنوع روی بهتر شدن خلق و خوی افراد تأثیر مستقیم دارد. در فصل بهار که تنوع رنگ‌ها زیاد است، افراد روحیه بهتری دارند. زمانی که باران می‌بارد، گل‌ها می‌رویند و طبیعت شاداب می‌شود. این باعث ایجاد احساس آرامش و شور و نشاط خواهد شد. در اوقات طبیعت به ما می‌آموزد که از رنگ‌ها برای شاداب‌تر شدن استفاده کنیم. زمانی که جامعه متنوع است، افراد حس هم‌دلی، کمک



کردن و حمایت اجتماعی بیشتری دارند. در چنین جامعه‌ای توان سازگاری با مسایل بیش‌تر است و مردم راحت‌تر مشکلاتشان را حل می‌کنند. همچنین مطالبه‌گری اجتماعی بیشتری دارند.

درواقع رنگ یک زبان جهانی است که بر احساسات افراد تأثیر می‌گذارد و فرهنگ‌ها را شکل می‌دهد. شاید اغراق نباشد که بگوییم رنگ‌ها پیش‌زمینه جهان را می‌سازند و یک بعد انسانی دارند که نمی‌توان آن را نادیده گرفت، زیرا می‌تواند در تغییر حالات مؤثر باشد.

رنگ‌درمانی

رنگ‌هایی که در محیط کار و زندگی هستند بیش‌ترین تأثیر را بر ما می‌گذارند، مثلاً وجود رنگ آبی در اتاق خواب، خواب آرامی به ارمغان خواهد آورد، گرچه در مدتی که خواب هستیم آن را نمی‌بینیم.

رنگ‌درمانی یک شیوه مهم درمان جایگزین است، زیرا به آسانی در دسترس و تأثیرگذار است. قرار دادن بیماران در معرض رنگ‌های گوناگون از طریق نور برای درمان مشکلات روان‌شناختی و فیزیولوژیکی در فرهنگ‌های باستانی در مناطقی مانند چین، هند و مصر ریشه دارد که در آن‌ها بیماران را در سولاریوم‌هایی با شیشه‌هایی با رنگ‌های گوناگون می‌نشاندند.

متأسفانه مردم ایران در انتخاب لباس، خودرو، دکوراسیون و معماری از رنگ‌های شاد استفاده نمی‌کنند، درحالی که اگر به گذشته بنگریم و فرهنگ ایرانی را بشناسیم، می‌بینیم که ایرانیان در گذشته از لباس‌ها، فرش‌ها، پرده‌ها و سایر لوازم زندگی رنگارنگ و شادی استفاده می‌کردند که هنوز در لباس‌ها و صنایع دستی محلی به چشم می‌خورد. حتی مردان هنگام جنگ از پوشش‌های رودوزی شده رنگی برای سلاح‌های خود استفاده می‌کردند که نمونه‌های آن در موزه‌های ایران و جهان گواه این مدعاست. با نگاهی به فرهنگ ایران می‌توانیم

درس‌هایی را که برای ادامه زندگی به آن‌ها نیاز داریم دریافت کنیم که توجه به رنگ و نشاط اجتماعی نمونه‌ای از آن است.

دکتر نادر اباذری، روان‌شناس، درباره کاربرد رنگ در کارکردهای مغزی می‌گوید: طبیعت مغز به‌گونه‌ای شکل گرفته است که برای تداوم حیات، کیفیت کارکردهای شناختی و هیجانی، حفظ تمرکز و دلایل دیگر، نیاز به تحریکات محیطی دارد. این موضوع را با یک مثال می‌توانیم بهتر درک کنیم. تصور کنید که ما قرار است به‌عنوان یک راننده پنج‌ساعت مداوم رانندگی کنیم، اگر پنج‌ساعت در شهر رانندگی کنیم، احتمال خواب‌آلودگی در ما تقریباً به صفر می‌رسد. حتی اگر خسته باشیم هم احتمال کمی وجود دارد که هنگام رانندگی در شهر دچار خواب‌آلودگی شویم. این در حالی است که هنگام رانندگی در بزرگراه‌های بین شهری، حتی اگر پرانرژی باشیم و کمبود خواب هم نداشته باشیم، احتمال بیش‌تری وجود دارد که دچار خواب‌آلودگی شویم.

خواب‌آلودگی یکی از پیامدهایی است که ناشی از عدم تحریکات محیطی است. حالا این مثال را به زندگی روزمره تعمیم دهیم. زمانی که همه فعالیت‌های روزانه به‌طور مرتب در حال انجام هستند، خواسته یا ناخواسته تحریکات محیطی برای مغز فراهم می‌شوند، این درحالی است که در برخی از مواقع تحریکات محیطی به کم‌ترین میزان می‌رسند و پایین آمدن تحریکات محیطی به‌خودی خود می‌تواند علامت‌هایی شبیه به افسردگی، خستگی مزمن و البته وسواس فکری را به‌وجود آورد.

از موقعیت‌هایی که کم‌ترین میزان تحریکات محیطی برای مغز فراهم است، می‌توان به زمان بستری شدن در بیمارستان، ماندن در خانه به‌مدت طولانی برای مثال برای درس خواندن و البته قرنطینه اشاره کرد که این روزها تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم آن قابل مشاهده است.

در این شرایط بهتر است از تحریکات محیطی استفاده کنیم که تاحدودی تحت کنترل ما باشند (برای مثال جابه‌جا کردن وسایل خانه و تغییر دکوراسیون) تا فضای زندگی ما حال و هوای متنوعی به خود بگیرد. همچنین پخش کردن صدای موسیقی یا رادیو در خانه به تحریک بخش‌هایی از مغز کمک می‌کند. یکی از ساده‌ترین روش‌ها برای فراهم کردن تحریک محیطی برای مغز، تغییر رنگ‌هاست.

در اغلب خانواده‌ها مشاهده می‌شود که اعضای خانواده به‌خصوص پدر و مادرها رنگ‌های وسایل و دیوارها را طوری تنظیم می‌کنند که ظاهر مناسبی داشته و پسندیده باشند، این درحالی است که از رنگ‌ها می‌توانیم به نفع وضعیت روانی نیز استفاده کنیم و تنها کارکرد رنگ‌ها برآورده کردن معیارهای به‌روز بودن نیست.

در روان‌شناسی از جنبه‌های گوناگون و با استفاده از طبقه‌بندی‌های مختلف به اثرات رنگ‌ها بر وضعیت روانی پرداخته شده، اما یکی از جامع‌ترین طبقه‌بندی‌ها تقسیم رنگ‌ها به رنگ‌های سرد و گرم و سنجیدن اثرات کلی آن‌ها بر وضعیت روانی است.

رنگ‌های سرد مثل سبز و آبی و بنفش می‌توانند سیستم عصبی را به سمتی سوق دهند که بخش پاراسمپاتیک در آن فعال شود. پاراسمپاتیک در واقع مسئول احساس آرامش در فکر و احساس و رفتار ماست. رنگ‌های سرد می‌توانند احساس برانگیختگی و بی‌قراری را کاهش داده و آرام و قرار را در زمان‌هایی که عجل‌بودن، ما را آزار می‌دهد، به ما بازگردانند. زمانی که سیستم پاراسمپاتیک در اثر تحریک رنگ‌های سرد فعال شود، احساس آسیب‌پذیری بودن کاهش پیدا کرده و فرد می‌تواند با آرامش، تأمل و تحمل بیش‌تری نسبت به موقعیت‌ها واکنش نشان دهد.

رنگ‌های گرم مثل زرد و قرمز و نارنجی، رنگ‌هایی هستند که سیستم سمپاتیک را در سیستم عصبی مافعال می‌کنند. سیستم عصبی سمپاتیک حالتی از آماده‌باش را به‌وجود می‌آورد که گاهی با اضطراب و خشم و بی‌قراری همراه است، اگرچه هیچ‌یک از این هیجان‌ها به‌خودی خود منفی و مضر نیستند اما اگر هیجان غالب مادر زندگی روزانه این احساسات باشند، شاید اختلالات روانی و حتی اختلالات جسمانی مثل دردهای بدون علت فیزیکی، به‌هم‌ریختگی گوارش و نوسان در کارکردهای قلبی نیز بروز پیدا کنند.

رنگ‌های گرم و سرد، هر یک می‌توانند مضرات و مزایای متعددی در زندگی ما داشته باشند. بهترین حالت این است که در فضاهای مختلف خانه متناسب با کارکرد هر فضا از رنگی استفاده شود که سمپاتیک یا پاراسمپاتیک به‌درستی فعال شوند.

در روزهای قرنطینه می‌توانیم به‌عنوان یک تغییر و تنوع، با تنظیم رنگ چیزهایی که تحت اختیار ما هستند با یک تیر چند نشان بزنیم. یکی این که شکل تازم‌ای به خانه بدهیم، دوم این که از ظرفیت‌های اثرگذاری رنگ‌ها بر مغزمان استفاده کنیم و در نهایت این که تحریک محیطی برای مغز را در این روزها فراهم آوریم.

روان‌شناسی تأثیر رنگ‌ها

تأثیر رنگ بر خلقیات مردم



• محسن رزاقی

پابلو پیکاسو (Pablo Picasso): رنگ‌ها مانند خصوصیات، تغییرات عواطف و فزاینده می‌کنند.

رنگ‌ها احساسات متفاوتی را در ما ایجاد می‌کنند و یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیر گذار بر زندگی و ارتباط بین ما و محیط اطرافمان هستند. رنگ‌ها بر ذهن و رفتار ما، بر حس تعادل فکری و جسمی، در ایجاد حس شادمانی یا افسردگی، در القای آرامش یا بی‌قراریمان مؤثرند. استفاده هدفمند و دقیق از رنگ‌ها می‌تواند تأثیراتی در سلامتی و تعادل فکر، در آرامش جسمی و روانی و همین‌طور پیشرفت یار کود جامعه داشته باشد. رنگ‌های خاص بی‌تردید آثار اقتصادی (فروش تولیدات، خدمات)، آثار اجتماعی (کسب اعتماد و احساس رضایت و امنیت)، آثار روانی (خوشحالی یا افسردگی)، آثار تعلیمی و تربیتی (برای کودکان) و ... دارند. به هر روی باید توجه داشت دریافت نتیجه‌ای مطلوب از انجام هر نوع کار عملی، وجود اطلاعات و آگاهی‌های لازم و تئوریک در آن زمینه است. در انتخاب این موضوع سعی شده اطلاعاتی هر چند محدود مرتبط با موضوع و هدف ارائه شود.

ما اغلب وقتی کسل و بی‌حوصله‌ایم می‌گوییم که غمگین هستیم، در واقع رنگ‌ها تأثیر مستقیم روی خلقیات ما دارند. اما تأثیر واقعی رنگ‌ها بر وضعیت ذهنی ما چیست؟

در حالی که شما به اطراف نگاه می‌کنید چشم و مغزتان همزمان با یکدیگر کار کرده و اطلاعات را رد و بدل می‌کنند. وقتی چشم‌ها میوه‌ای را می‌بینند، مغز تصمیم می‌گیرد که آیا شما می‌خواهید آن را بخورید یا خیر؟ وقتی به آسمان نگاه می‌کنید نتیجه می‌گیرید که امروز باران نخواهد بارید. حتی کلماتی را که این‌جا نوشته شده می‌بینید و معانی آن را می‌فهمید. آیا در یک اتاق زرد احساس نگرانی و اضطراب می‌کنید؟ آیا رنگ آبی به شما حس آرامش و سکوت می‌دهد؟ در واقع این‌ها تأثیرات رنگ‌ها هستند.

در خصوص اثرگذاری رنگ‌ها نظرات متفاوتی وجود دارد. این طبیعی است که فکر کنیم بین خلقیات ما و رنگ‌ها ارتباطی وجود دارد. مثلاً معمولاً ترجیح می‌دهیم در اتاقی با رنگ‌های روشن و با طراوت زندگی کنیم تا در میان یک چهار دیواری خاکستری! همچنین می‌دانیم طول موج‌های خاصی از نور خورشید بر روی خلقیات ما اثر دارند. رنگ‌ها

چیزی به جز امواج نور با طول موج‌های خاص نیستند. باید قبول کنیم درک و تأثیرپذیری افراد از رنگ‌ها کاملاً متفاوت و منحصر به فرد است. یک محیط می‌تواند برای یک شخص آرام بخش و برای شخص دیگر تنش‌زا باشد. بنابراین تعمیم تأثیرات طول موج‌های خاص بر همه افراد دشوار است. با وجود کمبود تحقیقات در این زمینه مفهوم روان‌شناسی رنگ تبدیل به موضوع داغی در بازاریابی، هنر، طراحی و سایر حوزه‌ها شده است. هنرمندان و طراحان داخلی مدت‌هاست پی‌برده‌اند که چگونه رنگ‌ها می‌توانند به‌طور چشم‌گیری بر خلقیات، احساسات و عواطف انسان‌ها تأثیر گذار باشند.

این ابزار ارتباطی قدرتمندی است که می‌تواند برای نشان دادن تأثیر بر خلقیات و ایجاد واکنش‌های فیزیولوژیکی مورد استفاده قرار گیرد. پرسش اصلی برای تحلیل موضوع این است که رنگ چیست؟ در سال ۱۶۶۶، دانشمند انگلیسی ایزاک نیوتون (Isaac Newton)، دریافت که وقتی نور سفید خالص از یک منشور عبور می‌کند به تمامی رنگ‌های مرئی تجزیه می‌شود. او همچنین دریافت که هر رنگ از یک طول موج خاص تشکیل شده و قابل تجزیه به رنگ‌های دیگر نیست. رنگ‌هایی که سمت آبی طیف قرار دارند رنگ‌های «سرد» نامیده می‌شوند که شامل آبی، بنفش و سبز هستند. این رنگ‌ها اغلب «آرام» توصیف شده‌اند که می‌توانند احساس غم یا بی‌تفاوتی را به ذهن القا کنند.

در حالی که درک و دریافت حسی رنگ‌ها تا حدودی ذهنی هستند، بعضی از تأثیرات آن‌ها معنای فراگیر و جهانی دارند. رنگ‌های منطقه

قرمز، طیف رنگی رنگ‌های «گرم» نامیده می‌شوند که شامل قرمز، نارنجی و زرد هستند. رنگ‌های گرم برانگیزاننده عواطفی هستند که از احساس گرما و آرامش تا حس خشم و دشمنی متفاوتند. در خصوص روان‌شناسی رنگ‌ها نظرات بسیاری وجود دارد که همگی آن‌ها بیانگر تأثیرات رنگ بر خلقیات مردم است. تمایز آن‌ها بر پایه عواملی است که باعث تأثیرات رنگ می‌شوند، از جمله فرهنگ و عقیده و نیز آن‌چه که درون بدن انسان‌ها رخ می‌دهد. معنای رنگ‌ها در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است و حتی در جوامع غربی معنای رنگ‌های مختلف در طی سال‌ها تغییراتی کرده است.

تأثیرات روان‌شناختی رنگ‌ها

قرمز: در حالی که ثابت شده که قرمز، رنگی مربوط به شادابی و نشاط است، نشان داده شده که با احساس خشم نیز در ارتباط است. قرمز می‌تواند از بین برنده افکار منفی باشد اما می‌تواند باعث تحریک‌پذیری شخص نیز بشود. این رنگ می‌تواند برای کاهش بدخلقی و پرخاشگری استفاده شود، زیرا با احساس مربوط به عشق در ارتباط است.

نارنجی: نشان داده شده که نارنجی تنها تأثیرات مثبت بر روی وضعیت عاطفی شما می‌گذارد. این رنگ بر طرف‌کننده حس ترحم به خود،



ارزش قائل شدن به خود و عدم تمایل به بخشش است. نارنجی عواطف شما را به جوش می‌آورد و یک ضدافسردگی فوق العاده است.

زرد: زرد نیز مانند نارنجی رنگی شاد و نشاط‌آور است. همچنین می‌تواند با عقلانیت، قدرت تشخیص، حافظه، تفکر روشن، قدرت تصمیم‌گیری و قضاوت صحیح و نیز سازماندهی مفید و فهم نقطه نظرات متفاوت همراه باشد. رنگ زرد اعتماد به نفس را افزایش داده و خوش‌بینی را تقویت می‌کند. در عوض زرد کدِ می‌تواند تداعی‌کننده احساس ترس باشد.

سبز: سبز القاکننده حس راحتی، تبلی، آرامش و خونسردی است. این رنگ در تعادل بخشیدن و تسکین دادن به عواطف به ما کمک می‌کند، برخی دلیل آن را ارتباط آن با طبیعت و حس ذاتی ما با جهان طبیعی در هنگام تجربه رنگ سبز می‌دانند. با وجود این سبزه‌های تیره و مایل به خاکستری می‌توانند تأثیر عکس بر سلامت جسمی و عاطفی انسان داشته باشند.

آبی: ما معمولاً رنگ آبی را با شب مرتبط می‌دانیم، بنابر این احساس آرامش و آسودگی می‌کنیم. آبی‌های روشن به ما احساس دور شدن از دحام و شلوغی روز را می‌دهند. این رنگ‌ها می‌توانند در رفع بی‌خوابی مفید باشند. آبی همانند زرد القاکننده کنترل ذهنی، شفافیت و خلاقیت است. اما آبی بسیار تیره ایجاد افسردگی می‌کند.

بنفش: از این رنگ در مراقبت از بیماران دچار اختلالات عصبی استفاده می‌شود. زیرا نشان داده شده که رنگ بنفش به تعادل ذهن و

بهبود وسواس و ترس کمک می‌کند.

نیلی: اغلب با سمت راست مغز مرتبط بوده و برانگیزاننده شهود و تخیل است.

قهوه‌ای: قهوه‌ای رنگ خاک و زمین و در نهایت خانه است. این رنگ باعث حفظ ثبات امنیت می‌شود. گاهی اوقات رنگ قهوه‌ای می‌تواند بازدارنده عواطف و نشانه کناره‌گیری از دنیا باشد.

سیاه: این رنگ در عین آرامش بخش بودن و ایجاد حس ایمنی، رازآلود و همراه با سکوت و گاه مرگ است. رنگ سیاه منفعل است و می‌تواند ما را از رشد و تغییر باز دارد.

سفید: رنگ سفید نهایت پاکی است. این رنگ درحالی که هراس و ناامیدی را برطرف می‌کند احساس صلح و آرامش را نیز القا می‌کند. از سفید می‌توان برای تلقین حس آزادی و گشودگی استفاده کرد. سفیدی بیش از اندازه باعث ایجاد حس جدایی شده و می‌تواند سرد و منزوی کننده باشد.

خاکستری: خاکستری رنگ استقلال و خودباوری است. اگر اگرچه عموماً رنگی خنثی در نظر گرفته می‌شود. اما می‌تواند رنگ گریز از مسئولیت و عدم تعهد باشد (زیرا نه سفید است نه سیاه). خاکستری نشانگر جدایی، کناره‌گیری و در نهایت، تنهایی است.

بر این اساس تأثیر رنگ بر خلقیات مبتنی بر عقاید شخصی است. به عنوان مثال اگر شخصی رنگ صورتی را نپسندد ممکن است آن را با تنفر مرتبط بداند. یا به باور دیگر، رنگ بر اساس فرهنگ فردی بر خلقیات اثر می‌گذارد. برای مثال با دیدن رنگ آبی بدن ماده شیمیایی ترشح می‌کند که باعث آرامش می‌شود. همچنین از آن‌جا که تمرکز بر رنگ زرد برای چشم سخت‌تر از سایر رنگ‌هاست، ممکن است افراد هنگام دیدن آن برانگیخته شوند. این واقعیت اثبات شده است که نوزادان در مهدکودک‌های زرد رنگ بیشتر گریه می‌کنند. برخی محققان بر این باورند که تأثیر رنگ هم جسمی و هم روحی است. به عنوان مثال سبز به این دلیل باعث تمدد اعصاب است که منجر به شل شدن عضلات و در نتیجه تنفس عمیق‌تر و آرام‌تر می‌شود. یا آبی به این دلیل ایجاد آرامش می‌کند که باعث کاهش فشار خون می‌شود. این محققان نتیجه گرفته‌اند که رنگ به دلیل تأثیری که بر جسم دارد باعث تغییر در خلقیات افراد می‌شود.

تأثیر در خلقیات افراد کاربردهای عملی گوناگونی نیز دارد. امروزه بسیاری از شرکت‌ها تحقیقات مفصلی بر روی تأثیر رنگ بر صنعت انجام داده‌اند. به عنوان مثال در هنگام بازاریابی محصولات جدید بسیار مهم است که در نظر داشته

باشیم که برای مصرف‌کنندگان ظاهر و رنگ محصول از سایر عوامل مانند صدا، بو و بافت مهم‌تر است. مثلاً تا مدت‌ها رنگ سفید در صنعت چندان مطلوب نبود، تا هنگامی که شرکت «اپل» تقریباً تمام محصولاتش را با رنگ سفید طراحی و ارائه کرد. مشهورترین محصولات امروزه دارای رنگ زمینه‌ای سفید هستند. هم اکنون بیشتر بازاریابان به نیاز هماهنگ بودن رنگ و طرح کالا پی برده‌اند. اهمیت تأثیر رنگ در صنعت تجارت به گونه‌ای است که حتی برخی از محصولات معروف شدیداً به طرح‌های رنگی خود وابسته هستند؛ به نحوی که بدون توجه و دیدن نام تجاری شرکت تنها از روی رنگ قابل شناسایی هستند.

تأثیر رنگ بر مردم هر آن‌چه که باشد قطعاً بر رفتارهای فردی و اجتماعی آن‌ها بسیار تأثیر گذار و عمیق خواهد بود و موجب واکنش‌های رفتاری آن‌ها و منجر به پیشرفت یا رکود جامعه می‌شود.

با عدم انتخاب و جایگزینی صحیح رنگ در مکان خاص خود و به کارگیری نادرست آن در محیط‌های انسانی، صدمات روحی شدیدی بر افراد وارد خواهد آمد. پس با رعایت اصول رنگ‌شناسی، زمینه جامعه‌ای پویا و شاد را می‌توان فراهم آورد.

* این مقاله ترجمه‌ای است از:

The influence of color to the people mood-Qendrim Ahmetaj.

معجزه رنگ‌ها

• مریم حانمی

رنگ‌ها در اعتقادات آفریقایی‌ها جایگاه ویژه‌ای دارند. آن‌ها علاقه خود را بیش‌تر به شکل استفاده از رنگ‌ها در لباس‌ها و آرایش بدن و صورت خود نشان می‌دهند. قبایل آفریقایی در جشن‌ها و مراسم ازدواج یا حتی زمان مرگ نزدیکان خود از رنگ‌ها استفاده می‌کنند.



قبایل سرخ‌پوست در رسوم خود توجه ویژه‌ای به رنگ‌ها دارند و با استفاده از عناصر طبیعی چون پره‌های پرندگان و رنگ‌آمیزی آن‌ها برای خود نشانه‌های معناداری درست می‌کنند. جایگاه هر فرد در این قبایل با کلاه‌ها و رنگ‌های صورت او شناخته می‌شود. آن‌ها در زمان جشن و عزاداری، از رنگ‌ها برای نمایش عمق خوشحالی و ناراحتی خود بهره می‌برند؛ مثلاً در زمان عزاداری پیشانی خود را با رنگ‌های سفید رنگ‌آمیزی می‌کنند.



یکی دیگر از کاربردهای امروزی رنگ‌ها، استفاده از آن‌ها برای تبلیغات است. دلیل آن هم ارائه حس‌های متفاوت مانند ایجاد اعتماد، جوانگرایی یا جلب توجه توسط رنگ‌هاست. در طراحی نوین از رنگ‌ها به عنوان اسلحه‌ای کارآمد در مقابل رقیبان استفاده می‌شود. رنگ همان‌طور که می‌تواند به شما حس جسارت، اعتماد و نوآوری بدهد، می‌تواند محصول شما را ناکارآمد یا حتی بنجل معرفی کند.

رنگ‌ها باید با روان‌شناسی دقیق نسبت به جامعه و شرایط اجتماعی، فصلی انتخاب شوند. گاهی تغییرات یک لوگو یا تغییر رنگ آن می‌تواند شما را مترقی‌تر از باقی رقبا معرفی کند. نمونه‌ای از این تغییر را می‌توان در تغییر رنگ لوگوی بانک ملت پیدا کرد. حدود ۱۵ سال قبل، بانک ملت با تغییر نشان بانک خود توانست توجه مشتریان را جلب کند. بعد از آن بود که مابقی بانک‌ها و بانک‌های تازه تأسیس با جسارتی جالب شروع به طراحی نشان‌ها و حتی رنگ‌های شعبه‌های خود کردند تا از شکل قدیمی به بانک‌های مدرن و زیبایی تبدیل شوند که به مشتریان حس اعتماد القا می‌کنند.

با توجه به شرایط امروز، برای پیشی گرفتن از رقبا در تبلیغات لازم است تا مجموعه‌ها، شرکت‌ها و افراد برای افزایش فروش محصولات و خدمات خود به تغییراتی روی بیاورند که شاید بدون در نظر گرفتن بسیاری از مسائل مخاطره‌انگیز به نظر برسد ولی برخی شرکت‌ها که اقدام به این کار کرده‌اند با درصد بالایی از اقبال عمومی روبه‌رو شده‌اند.

منبع: سایت ویرگول

از دیرباز انسان نسبت به رنگ‌ها علاقه و حساسیت خاصی نشان می‌داد و رنگ‌ها هر کدام نشانه‌ای از احساسات یا حتی اختلافات بشر بوده‌اند. در طول قرون متفاوت، انسان‌ها در هر کجای زمین از رنگ‌ها در مراسم و محیط‌های خود بهره برده‌اند؛ از انسان‌های نخستین گرفته تا سرخ‌پوست‌ها که رنگ‌ها برای آن‌ها معنی و مفهوم ویژه‌ای داشته است.

در عصر حاضر در همه‌جای دنیا می‌توان آدابی که برگرفته از رنگ‌ها باشد یافت؛ از دور افتاده‌ترین نقاط در آفریقا و خاور دور یا در بکرترین مناطق آمازون. در شرق و کشور چین می‌توان در مکتب بودا طیف گسترده‌ای از رنگ قرمز را دید که از لباس‌ها گرفته تا چیدمان و ساختمان معابد از آن‌ها استفاده شده است.



دالایی لاما رهبر بوداییان

جشنواره رنگ که هر ساله در کشور هندوستان برگزار می‌شود یکی از جشن‌های بزرگ در این کشور است که طرفدارانی در سطح جهان دارد؛ به طوری که در این ایام توریست‌ها از سرتاسر دنیا برای حضور در این جشن خاص و سرشار از رنگ و شوق شرکت می‌کنند. این جشن در آخرین روزهای زمستان و در زمانی که ماه به شکل قرص کامل است برگزار می‌شود و از این جهت حتی به روشنائی و زیبایی ماه دقت شده تا هارمونی کاملی از رنگ‌ها پدید آید. این رسم برای گرامی‌داشت رسیدن بهار و شکرگزاری از رنگ‌آمیزی طبیعت انجام می‌گیرد و به دلیل زیبایی خاص خود در بیشتر کشورها از جمله آمریکا و برخی از شهرها در ایران برگزار می‌شود.



سمت چپ تصویر لوگو قدیمی و سمت راست لوگو جدید



گرند هتل بوداپست



• عماد فرح‌نیا

کشش‌های داستان به استادی تمام با رنگ روایت می‌شود. کنتس موقع بازگشت از نزد گوستاو احساس نگرانی می‌کند و از او می‌خواهد که همراهش برود، چون ترس جان خودش را دارد. او چندروز بعد به قتل می‌رسد. رنگ آمیزی پر شور و اغواگرانه هتل مبدل به یک خانه اشرافی بسیار بزرگ و تودرتوی تاریک و غمبار با چوب‌های براق ولی ماتم‌زده می‌شود که کارگردان با یک طنز جالب، تعداد زیاد اتاق‌ها و تالارهای آن را به‌سخره می‌گیرد. این تضاد در عین حال به‌هیچ وجه سردی و بی‌رمقی در فیلم ایجاد نمی‌کند. فقط تعامل رنگ‌ها به‌نحوی تغییر کرده تا میان شادابی و هیجان با بدی، تیرگی و قتل تفاوت ایجاد کند.

تمام سکانس‌های گفتگو در فیلم به‌شکلی خلوت و دوبه‌دو است و بیننده در شلوغ‌ترین نماها فقط لازم است به گفتگوی دو شخصیت که نقطه اصلی روایت هستند گوش فرا دهد نه بیش‌تر. آقای گوستاو که با اتهام دروغین قتل و توطئه دیمتری، پسر کنتس پولدار (آدrian برودی) به زندان افتاده، زیر و به کمک فرا می‌خواند و از لحظه ورود دوربین به زندان باز یک جهان متفاوت می‌بینیم. اولاً نام این‌جا زندان نیست که استراحت‌گاه مجرمان است و ثانیاً رنگ‌ها جای خود را به دنیای ساده‌تر خاکستری می‌دهند و مجرمان، افرادی بسیار شریف‌تر از زندانبانان تصویر می‌شوند.

پیش‌کش‌های داستان بسیار ساده و قابل درک است و حتی خشونت عریانی که در دو سکانس تصویر شده باز در اوج طنزپردازی خلاقانه انجام می‌شود؛ مانند سکانسی که گریه جناب وکیل از بالای ساختمان توسط پیشکار دیمتری با خونسردی به بیرون پرت می‌شود و وکیل با حیرت از خانم‌ها می‌پرسد «اون گریه من رو پرت کرد بیرون؟!». و خواهرها پاسخ می‌دهند «نه گمون نکنم، نه!»

مصطفی در بخش پایانی و هنگامی که به‌قول نویسنده چشمانش بی‌فروغ شده بود، از ماجرای عشق خودش به دختر شیرینی‌پزی می‌گوید که در آن شما به‌وضوح شادابی، محبت و طراوت رنگ صورتی را که در سراسر فیلم، نماد شیرینی‌ها و جعبه‌های صورتی‌رنگ آن‌هاست می‌بینید. گویی عشق راستین زیر و آگاتا هرچند یک بهار کوتاه بوده اما همه فصول زندگی او را استمرار بخشیده است. چرا از واژه فصل سخن گفتیم؟ چون در جایی از فیلم، جناب گوستاو می‌گوید «وفاداری به یک (پیر)زن، اون هم نوزده فصل بسیار دشوار»

زبروی یادو و آگاتای ملوس شیرینی‌پز چنان عاشق همدند که انعکاس آن در حلاوت شیرینی‌های رنگارنگ آگاتا متجلی است. هر جا گوستاو می‌خواهد ذراتی از اصول متعارف ادب خارج شود، زبرو به او هشدار می‌دهد که «مراقب باش، اون همسر منه!» دهه‌سی میلادی دوران تسلط نژادپرستی در اروپا بود و هرچند فیلم هیچ داعیه تاریخی و حتی رئالیستی بودن ندارد لیکن انعکاس تباهی جنبش نازیسم در آن تلویحا نقد می‌شود.

قطار در راه شهر لوتر توقف می‌کند و گوستاو رو به زبرو می‌گوید «اینا چرا قطار رو در یه بیابون بی‌آب و علف نگه داشتند؟!». درست همین‌جا تصویر مشتی سرباز خاکستری‌پوش با چهره‌های سرد و خشن نمایان می‌شود که بلافاصله پس از ورود گوستاو را هم تنک می‌زنند. ماجرا با آشنایی افسر مافوقشان و دماغ خون‌افشاده گوستاو تمام می‌شود.

در پایان فیلم این‌بار برای دومین بار قطار در یک جای بی‌آب و علف می‌ایستد و همان مونولوگ توسط زبرو گفته می‌شود ولی این‌بار سربازانی کثیف‌تر و سیاه‌چهره‌تر می‌بینیم که گوستاو را همان‌جا دردم می‌کشند! این استعاره‌ای بدون اغراق از ورود به عصر خاکستری دورانی است که به جنگ دوم جهانی و قتل عام بیش از ۱۰ میلیون انسان انجامید؛ ورود به سکانس کاملاً خاکستری عصر برتری نژاد، در قطاری با سربازان خاکستری‌پوش با تفکری که خاکسترساز رنگ‌ها بود، برخلاف عصری که رنگ در آن شگفتی می‌آفریند و همه‌چیز حتی لوسترها و چراغ خواب قطار جفت و قرینه‌اند و آدم‌ها هم جفت دارند؛ دنیای خاکستری‌رنگ خاکسترساز که در راه بود...

زبرو مصطفی، عشقش را در جوانی و از سر طنز روزگار به‌خاطر بیماری آنفولانزای پروسی (نام آلمان کهن) از دست داد و سال‌هاست که از بین ده‌ها قصر و عمارت خود به هتلیش گزند بوداپست آمده و به همان اتاق کوچک می‌رود که به گفته متصدی هتل «این اتاق از اتاق آسانسور هم کوچک‌تره و جناب مصطفی که صاحب این‌جا هستند به همون اتاق می‌رن!»؛ اتاقی که یادگار سال‌های پادویی اوست، اما نه به این دلیل. چون این اتاق کوچک تنها جای جهان است که او در آن عشق را تجربه کرده و همه فصول حیاتش را با آن ادامه داده؛ اتاقی که رنگارنگی جهان ما از آن است.

(با همراهی ارکستر) بسیار لطیف انسانی و پرداختی بی‌نقص از یک کُرال فانتزی شما را به درون اثر رهنمایی خواهد کرد. به همین دلیل موسیقی فیلم برنده جایزه آکادمی اسکار شد؛ همچون ۲۴ جایزه و کاندیداتوری دیگر فیلم در عرصه‌هایی چون طراحی صحنه، طراحی لباس، طراحی نور و تصویر و جلوه‌های ویژه. داستان فیلم مانند ادبیات معاصر آمریکای لاتین روایتی در زمان‌های مختلف است و در چهار دوران مختلف شکل می‌گیرد. این ویژگی فیلم‌هایی است که امروز به‌عنوان سینمای پست مدرن شناخته می‌شود. داستان در بوداپست اما بوداپستی خیالی رخ می‌دهد و پر از کنایه‌های وس اندرسون است که نشان‌دهنده اهمیت تاریخ نزد او و آگاهی او به‌ویژه از تاریخ معاصر اروپاست.

اندرسون در نمای ابتدایی فیلم دختری را نشان می‌دهد که در گورستان مهم شهر به تندیس نویسنده‌ای ادای احترام می‌کند و در حالی که کتاب او با جلد صورتی در دست دختر است داستان به سرعت چندسالی به عقب برمی‌گردد و منزل نویسنده را نشان می‌دهد، در حالی که پشت میز کارش در حال گفتن از چگونگی شکل‌گیری اثر است. از یک بیماری مهم (تب نویسنده‌گی حاد) صحبت می‌کند که سال‌ها پیش وقتی جوان بوده دچار آن شده و این بیماری شایعی بین مردم طبقه بورژوا در آن زمان بوده!

شوخی‌ها و طعنه‌های استادانه کارگردان هیچ نیازی به درک فرهنگ و زبان فیلم ندارد و به‌قدری خوب پردازش شده که همه آن را به‌خوبی می‌گیرند.



دومین زمان داستان، ظرف کمتر از هفت دقیقه باز هم به زمان سوم می‌رسد و حالا حدود ۵۰ سال به عقب می‌رویم و در دل هتل بوداپست، دنیای سراسر شگفتی رنگ‌ها مثل یک بستنی میوه‌ای در اتاق سروانتس برای شما سرو می‌شود.

نویسنده سالخورده از چگونگی شکل‌گیری داستان گرند هتل بوداپست می‌گوید: زمینی سراسر رنگ، فانتزی، برف و زمستان در هتلی که بر فراز یک کوه بلند در زوبرو قرار دارد و اکنون نویسنده جوان (با بازی جود لا) در هتل بوداپست با پیرمردی تنها آشنا خواهد شد که نامش زبرو (صفر) مصطفی است.

مصطفی او را به صرف شام دعوت می‌کند. به‌قول نویسنده «همه ما تنها بودیم ولی کسی که چهره‌اش نشان می‌داد واقعا تنهاست مصطفی بود».

زبرو مصطفی ما را از لایه سوم فیلم که هنوز دقیقاً آغازین آن است به لایه چهارم می‌برد تا قصه هتل بوداپست را بگوید در سال‌های دهه ۳۰. هتل بوداپست به یک شهر باشکوه می‌ماند در سال‌هایی که هنوز فاشیسم و نازیسم اروپا را نبلیده و در آن رنگ در زندگی حقیقی سراسر جذبه و شور است.

دنیای هتل با معرفی مدیر خوش‌مشرب آن با فراک بنفش و زیبا، کف‌پوش‌های سرخابی و تقارن پرشمار چراغ‌ها و سراسر نورانی جلوه‌گر می‌شود. آقای گوستاو که با بازی «رالف فینس»، یکی از شگفت‌ترین و جذاب‌ترین شخصیت‌های طنز مدرن را رقم زده، مردی میانسال است که از طبقه متوسط آمده، زنان مسن طبقه بورژوا و معدود اشراف سالخورده سخت مجذوبش هستند و خودش هم شیفته آن پیرزنان عاشق‌پیشه پولدار است.

زبرو مصطفی داستان این آشنایی و رشد خود به‌عنوان یک پادوی ساده را چنان در دنیای رنگ‌آمیزی‌شده هتل برای بیننده روایت می‌کند که بدون هیچ فاصله‌ای می‌توانید جزئی از آن فضای فانتزی شوید. اتاق جناب گوستاو که به‌قول زبرو، خوشبوترین آدمی بود که او در عمرش دیده، پر از شیشه‌های یک عطر خاص است.

تصمیم می‌گیریم رنگ را برای دقایقی از جهان و حتی ذهن خود حذف کنیم، آن‌چه باقی می‌ماند باز رنگ است! حتی بی‌رنگ‌ترین رنگ‌ها، رنگند. سیاه و خاکستری و سپید و تمامی شاهکارهای هنر سینمای کلاسیک تماماً با رنگ معنا پیدا کرده‌اند.

در عمق فرهنگ فولکلور ما ایرانیان نیز شادابی و سلامت به سبزی یا زلالی و بی‌کراتگی به رنگ آبی تشبیه شده است. برای دختر جوانی که امروز دل در گرو مهر همسرش سپرده آرزوی سپیدبختی می‌کنیم و در طنز پردازی روزمره به آدم خیلی حساس، نازکارنجی می‌گوییم! این‌ها یک از هزار، تأثیر رنگ‌ها در ساده‌ترین توصیفات و عواطف ماست.

در پرتو نور و رنگ اما پس از نقاشی و روان‌شناسی، هنری متولد شد که امروز نقطه اتصال رنگ و حرکت در پرکشش‌ترین هنر-صنعت جهان ماست. هنر هفتم بدون هیچ شک و تردید زاینده رنگ، نور و مفهوم روایتی است که از طریق حرکت بیان می‌شود. شاید این تصور وجود داشته باشد که سینمای امروز سینمای رنگ است و آن سینمایی که درست یک‌قرن قبل بر پرده نقره‌ای منعکس می‌شد سینمای رنگ نبود، چون دنیای سیاه و سفیدی داشت.

اما سینما از همان آغاز ظهور خود با رنگ پیوند داشت. سینمای جان فورد، فریتز لانگ، باستر کیتون و سینمای برگمان در فیلم‌های قدیمی او همان‌قدر با

مفهوم رنگ در پیوند است که تمام آثار سینمایی دهه‌های بعد و فیلم «فریادها و نجواها»ی برگمن در دهه هفتاد.

در هر اثر سینمایی شما با رنگ و انتخاب و چیدمان رنگ سر و کار دارید و بنا بر رویکرد کارگردان و تعامل میان او با فیلمبردار و طراح صحنه و لباس، در نهایت آن‌چه از رنگ در نظر دارد نشان داده خواهد شد. گاهی تمام آن‌چه که کارگردان می‌خواهد با صدها صفحه فیلمنامه نشان بدهد به‌خوبی توسط رنگ تصویر می‌شود.

به‌عنوان مثال در فیلم فهرست شیندلر (استیون اسپیلبرگ) با هدف رهنمایی به تمام سباهی، تباهی، مرگ و رسوایی بشر در سال‌های اشغال لهستان در جنگ دوم جهانی و آن‌چه که استیلای نازیسم هیتلری به‌وجود آورد، کارگردان اثر تصمیم می‌گیرد تا تمام مفهومی را که بیننده امروز از رنگ می‌شناسد حذف کند و فقط طیف رنگ‌های

طوسی، خاکستری، سیاه و فقط دو رنگ دیگر را آن‌هم به‌شکل بسیار نمادین باقی بگذارد، یکی رنگ صورتی و گلگون لباس دختر ملوس خردسالی که در صحنه پاکسازی و کشتار در خیابان راه می‌رود و دیگری رنگ خون. او آگاهانه همه رنگ‌ها را حذف می‌کند تا شادابی و نشاط را حذف کند و تباهی را نشان بدهد تا در آخرین لحظات وقتی رنگ با تمام زیبایی و شادابی نشان داده شد، قدر آن دانسته شود.

در فیلم «عملیات والکوره» نیز چنین رویکردی توسط کارگردان اتخاذ شده است، یعنی طیف رنگ‌های سبز نظامی و خاکستری در سراسر فیلم حضور پررنگ دارند و رنگ‌های شاداب و متنوع، عامدانه از طراحی صحنه و لباس حذف می‌شوند تا فضای آلمان رایش سوم در ماجرای ترور هیتلر به‌خوبی به روان بیننده منتقل شود.

برگمان، کارگردان مؤلف و فقیه، در فریادها و نجواها خواهرانی را در کنار بستر خواهر بیمارشان آنا نشان می‌دهد که در آستانه مرگ است اما تمام دیوارها، پتو، ملحفه و کف‌پوش‌ها قرمز و شرابی‌اند؛ انعکاسی از رویکرد خود کارگردان به مفهوم روان انسان. اما هنر برگمان در این نکته بی‌بدیل نهفته است که او به‌عنوان یک هنرمند، ظرافت رنگ و تأثیرات ژرف آن را بدون کمترین نیاز شما به دانستن در مورد کارگردان به احساسات شما منتقل می‌کند و این اوج اهمیت فرم در اثر هنری است.

با این وصف به بررسی یکی از رنگ‌بنیادترین آثار محبوب سینمای معاصر برویم. فیلم «گرند هتل بوداپست» به کارگردانی «وس اندرسون»، محصول سال ۲۰۱۴ از آن قسم آثار سینمایی است که به شعر سعدی می‌ماند؛ یعنی بیننده کاملاً عادی و از سر تفتن را می‌تواند جذب کند و برای سینماگران و منتقدان نیز فیلمی درخور از آب درآمده است.

فیلم به محض شروع، هم خاص بودنش را با ظرافت نشان می‌دهد و هم اهمیت رنگ را و این بار خیلی بی‌پروا! از آغاز فیلم شما با دو مصداق از شاهکارهای سینما مواجه خواهید بود، اول شاهکار رنگ و پردازش تنوع رنگ در اثر و دوم موسیقی بسیار عالی و همخوان فیلم که از اولین نما با یک کُرال

قاب امروز

چهل سال پیش در همین روز

۱۷ نوامبر، سالروز فوت نورالدین عبدالرحمن جامی شاعر و فیلسوف ایرانی است که در سال ۱۴۹۲ در شهر هرات از دنیا رفت.

مجموعه اشعار او که بالغ بر ۲۵ هزار بیت است «هفت اورنگ» نام دارد. جامی قصه‌های یوسف و زلیخا، لیلی و مجنون و خردنامه اسکندر را به شعر در آورد. «دیوان‌های سه‌گانه» عنوان کتاب دیگر جامی است.

اعتراض ایران به حضور نظامی شوروی

در همین روز دکتر صادق رضازاده شفق (نامیده
مجلس، استاد دانشگاه، مؤلف و بعداً سناتور و متوفی
در ۱۳۵۰) خواست که نخست‌وزیر بی‌درنگ به مسکو
برود و تأخیر نشده مسأله را در آنجا حل کند. با این که
در آن زمان، ماه‌ها از شکست هیتلر و پایان جنگ جهانی
دوم گذشته بود، دولت شوروی حاضر نمی‌شد نیروهای
نظامی خود را وارد ایران شده و قسمتی از وطن ما را اشغال
کرد و به بدذخار سازد.

۲۶ آبان ۱۳۴۷، استاد ابراهیم پورداو، ایران‌شناس و ایران‌دوست نامدار و مسلط بر پارسی اوستایی، از این دنیا رفت. وی همه عمر خود را در شناساندن فرهنگ باستان‌کوه ایران باستان به ایرانیان معاصر و جهانیان صرف کرد و کتاب‌های بسیار نوشت از جمله خوزستان ما، فرهنگ ایران باستان، ایران‌شاه، گفت و شنود پارسی اوستایی و... و مهم‌ترین اثر او: تبدیل فصول دهگانه اوستا از پارسی باستان به پارسی معاصر است تا ایرانیان معاصر به اخلاقیات این باستان‌باوران دست بزنند.

www.iranianshistoryonthistoday.com



سرایه

گر سیر نشد تو را دل از ما
یا در غم ما تمام پیوند

یک لحظه مباحث غافل از ما
یا رشته عشق بگسل از ما

در آتش دل به سر همی گرد
مگریز ز ما اگرچه نامد

مانند مرغ بسمل از ما
جز رنج و بلات حاصل از ما

چون ابر بهار می‌گری زار
عطار در این مقام چون است

گاه بگید دلت دل از ما
دیوانه عشق و عاقل از ما

عطار نیشابوری

جدول شرح در متن

५३९३

غلامحسین باغبان

၈	၃	၆	၅	၁	၃	၄	၇	၉
၄	၇	၉	၈	၃	၆	၅	၁	၃
၅	၁	၃	၄	၇	၉	၈	၃	၆
၆	၈	၃	၃	၉	၅	၁	၄	၇
၁	၅	၄	၆	၈	၇	၃	၉	၃
၃	၉	၇	၃	၄	၁	၆	၈	၅
၇	၆	၈	၁	၃	၃	၉	၅	၄
၃	၄	၅	၉	၆	၈	၇	၃	၁
၉	၃	၁	၇	၅	၄	၃	၆	၈

حل ۲۸۷۹

[illegible]